

گزارشی از درخواست‌های فعالین حوزه‌ی معدن کشور از دولت جدید در بخش معدن کشور مشکل داریم یا نداریم؟!

خردادماه سال جاری پر از جنب و جوش بود، پر از فکر، برنامه، تصمیم، پیشنهاد، حدس و گمانه‌زنی، ... خردادماه امسال پر از رنگ بود. اما بعد از همه‌ی چالش‌هایی که اذهان مردم کشور را درگیر خود کرده بود، رییس‌جمهور مردم انتخاب شد. مردی که چهار سال سخت را پیش رو خواهد داشت، زیرا شرایط کشور در طی سال‌های گذشته به گونه‌ای شکل گرفته که بسیاری از مردم در تنگنا قرار داشته و هر یک برای رفع مشکلات خود خواسته‌ای دارند. یکی از بخش‌های اقتصادی کشور که در طی سالیان گذشته با فراز و نشیب‌های بسیاری همراه بوده، بخش معدن کشور است، بخشی که بعد از تحمیل تحریم‌های غرب بر صنعت نفت ایران، کم کم به چشم آمد و مسئولین امر را مجاب کرد تا باور داشته باشند معادن کشور، بخشی مزیتی هستند که اگر پتانسیل‌های بالقوه‌ی آن‌ها بالفعل شوند، می‌توانند نقطه‌ی اتکایی برای اقتصاد کشور باشند. این روزها با حاکم شدن فضای سیاسی جدید بر کشور، مردم ما چشم به روزهای خوبی دارند تا نشاط بار دیگر به جامعه بازگردد. پای صحبت هر کس که می‌نشینیم از خواسته‌هایش می‌گوید، از آنچه دوست دارد رییس‌جمهور منتخب برای او فراهم کند؛ فارغ از آن که باید بپذیریم فرصت لازم است تا همه چیز به آرامی تغییر کند. سراغ جمعی از دوستانمان در حوزه‌ی معدن کشور رفتیم تا درد دل و درخواست ایشان را بشنویم.

دکتر پرورش؛ پیشکسوت حوزه‌ی معادن کشورمان می‌گوید: «در کشور ما به لطف خدا ذخایر معدنی فراوان است، اما از آن‌جا که همواره بر درآمد حاصل از فروش نفت متکی بوده‌ایم کمتر به ماهیت کار، تولید و بقای خود فکر کرده‌ایم. در حقیقت فضیلت کار و تولید فراموش شده و معدن هم که یک بخش اقتصادی است، جدا از این مجموعه نیست. بنابراین در بخش معادن کشورمان مشکل وجود دارد و به نظر من آن‌ها را خودمان ایجاد کرده‌ایم. اگر کمی انصاف داشته باشیم، می‌بینیم که دنیا در این زمینه برای ما چالشی ایجاد نکرده است. مگر کسی که قانون تدوین می‌کند، غیر از خود ما است؟ مگر کسی که قانون را اجرا می‌کند، غیر از خود ما است؟ مگر کسی که به کار و سرمایه‌گذاری در این بخش علاقمند بوده، غیر از خود ما است؟»

مهندس بهرامن؛ نایب رییس خانه معدن ایران با اشاره به تشکیل کارگروه توسعه بخش معدن کشور تصریح کرد: «این کارگروه همان‌طور که از نام آن برمی‌آید، برای توسعه‌ی بخش معدن توسط دولت شکل گرفته و از این منظر شکل‌گیری این کارگروه بسیار مثبت ارزیابی می‌شود زیرا نشان می‌دهد مسئولین به اهمیت بخش معدن در اقتصاد کشور پی برده‌اند. برای آن‌که این کارگروه در تمام بخش‌های کشور عملیاتی شود، ستادهای اجرایی و توسعه‌ای در استان‌های مختلف کشور ایجاد شده است. اما تصویری که امروز در جلسات ستاد بسیاری از استان‌ها به وجود آمده این است که حاکمیت بخش معدن در اختیار آن‌ها قرار دارد و این ایرادی است که باید به سرعت حل شود چرا که در غیر این صورت چالش‌هایی جدی در پی خواهد داشت. ما به عنوان یک تشکل بخش خصوصی اجرای صحیح قانون را خواستاریم و لاغیر.»

در این گزارش سعی کرده‌ایم نظرات هر سه بخش خصوصی، دولتی و دانشگاهی را داشته باشیم و از همه‌ی این عزیزان کمال سپاس را داریم. در ادامه گزارش خبری این شماره از ماهنامه توسعه معادن را مطالعه خواهید کرد.



اجرای صحیح قانون را خواستاریم

مهندس بهرامن؛ نایب رییس خانه معدن ایران می‌گوید: امروز در جامعه‌ی ما التهابی وجود دارد که در بخش‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... دیده می‌شود. انتظاری که امروز از مدیریت جامعه‌ی کشور داریم آن است که این التهابات را کاهش دهد و در این راستا لازم است با نگاهی باز، در قالب رفع مشکلات و آسیب‌هایی که به سیاست‌های برون‌مرزی ما وارد شده، برنامه‌ریزی داشته باشد. این برنامه باید در هر قسمتی تعریف شده باشد چرا که نمی‌توان استراتژی صنعتی را بدون درک سیاست‌های اقتصادی و در نهایت درک مسائل و نگاه‌های سیاسی داخل و خارج، روانسازی و اجرایی کرد. بنابراین لازم است در بخش‌های سیاسی و اقتصادی کشور روانسازی ایجاد شود، برای جامعه‌ی بیمار امروز که نقدینگی غیر متعارف با توجه به حجم جمعیت کشور، مردم بیکار و تورم، یکی از معضلات آن است باید برنامه‌ریزی صحیحی داشت. بنابراین انتظار شفاف ما رفع مسائل و مشکلاتی است که امروز چالش‌ها و بحران‌هایی را به وجود آورده‌اند. این مورد باید با چپش مدیران اصلاح مرتفع شود، مدیریت بر جامعه با نگاه کردن سیاسی به جامعه تفاوت دارد. دولت جدید باید جامعه را مدیریت کند و توانایی آن را داشته باشد که مدیران کارآمد را در بخش‌های اجرایی خود به کار گیرد. این مدیران هستند که می‌توانند امید، شکوفایی و شادابی را به جامعه‌ی ما باز گردانند. منظور از این شادابی آن است که نگرانی‌های حاکم بر جامعه مانند تورم، بیکاری، حجم بالای نقدینگی، سیاست‌های برون‌مرزی و ... که ما را مورد حمله‌های مختلف قرار داده، از بین بروند تا شادابی به جامعه تزریق شود. به این ترتیب مردم جامعه‌ی ما می‌توانند به خوبی فکر کنند. مردم یک جامعه زمانی می‌توانند مسائل را به خوبی تجزیه و تحلیل کنند که نگاه روشنی به آینده داشته باشند و این زمانی تحقق پیدا می‌کند که برنامه‌های دولت، شفاف باشد. برنامه‌های دولت باید به گونه‌ای باشد که از توانایی کل جامعه و تمام بخش‌های

سیاسی کشور استفاده کند. باید سیاه و سفید را از جامعه برداشت و افراد اصلاح را برای مدیریت از هر قشری از جامعه انتخاب کرد؛ برای مدیریت در مراکز اجرایی باید کسانی را انتخاب کنیم که درون جامعه بوده‌اند. اگر بخواهیم بخش صنعت کشور را رشد دهیم (که اجتناب ناپذیر است) باید افرادی بر آن مدیریت کنند که قبلاً یک تجربه‌ی اجرایی موفق در داخل کشور داشته‌اند نه صرفاً یک تجربه‌ی سیاسی؛ تجربه‌ی سیاسی نمی‌تواند مسیر راه را برای ما کوتاه کند.

یکی از معضلات در جامعه‌ی ما، اشتغال است، و تنها حمایت از تولید است که می‌تواند این معضل را برطرف کرده و اشتغال را در کشور پویا سازد. زمانی بخش تولید در جامعه‌ی ما موفق است که محیط کسب و کار آن بهبود پیدا کرده و از این بیماری خارج شود، قبلاً نسخه‌ی این بیماری با قانون بهبود مستمر فضای

کسب و کار پیچیده شده بود، این قانون مورد تصویب قرار گرفت ولی متأسفانه به آن عمل نشد. تشکل‌ها می‌توانند در جهت پویایی محیط کسب و کار کشور بسیار نقش‌آفرین باشند. با نگاه واقعی و قانونی به مسائل نه نگاه‌های چالشی، همچنین جلوگیری کردن از تصمیم‌گیری‌های هیجانی و ایجاد جاذبه در محیط‌های کسب و کار می‌توان شرایطی فراهم کرد تا بخش مهمی از نقدینگی کشور جذب بخش تولید شود. زمانی که بخش تولید ما موفق شد و به شرایط عالی رسید مطمئن باشید اشتغال امروز خود را حفظ کرده و آسیبی به محیط‌های کاری ما وارد نمی‌شود، آن روز است که اشتغال‌های جدید ایجاد می‌شود. عمده‌ی بیکاران در کشور ما بین سنین ۱۸ تا ۳۰ سال هستند که آسیب بسیار بزرگی به آن‌ها رسیده و در نتیجه این آسیب به جامعه نیز وارد شده است؛ چرا که این‌ها سرمایه‌های ملی کشور هستند و اگر برای این جوانان برنامه‌ریزی نشود قطعاً در مسیر دیگری قرار خواهند گرفت که منافع مثبتی برای هیچ جامعه‌ای در بر نخواهد داشت.

او در ادامه اضافه کرد: استفاده از مزیت‌ها جزء مواردی است که نباید فراموش کنیم، مزیت‌های زیادی در کشور داریم، برخی صنایع در کشور مزیتی هستند، همان صناعی که مواد اولیه‌شان در داخل کشور خودمان است. ما باید برای این‌ها برنامه‌ریزی داشته باشیم. امروز دیگر همه می‌دانیم تنها نفت نیست که باید به آن اتکا کرد. زمانی می‌توانیم بر نفت متکی باشیم که شرایط اقتصادی کشور پایدار باشد اما در حال حاضر این شرایط را از دست داده‌ایم و در آینده نیز آن را به راحتی به دست نخواهیم آورد. نگاه جامعه‌ی امروز به جایی رسیده که می‌توانیم به منابع دیگری غیر از نفت، اتکا داشته باشیم.

امروز با همین ذخیره‌ی ناچیزی که از حداقل کارهای اکتشافی در کشور به دست آمده، می‌توانیم برای یک

مهندس بهرامن؛ مردم یک جامعه زمانی می‌توانند مسائل را به خوبی تجزیه و تحلیل کنند که نگاه روشنی به آینده داشته باشند و این زمانی تحقق پیدا می‌کند که برنامه‌های دولت، شفاف باشد. برنامه‌های دولت باید به گونه‌ای باشد که از توانایی کل جامعه و تمام بخش‌های سیاسی کشور استفاده کند. باید سیاه و سفید را از جامعه برداشت و افراد اصلاح را برای مدیریت از هر قشری از جامعه انتخاب کرد

دوره‌ی صد ساله استراتژی تعریف کنیم. پس باید چرخه‌ی استراتژی را در این بخش اجرایی و چرخه‌ی فرآوری را نیز در آن تعریف کنیم. حال این سوال پیش می‌آید که چه جاذبه‌هایی را باید ایجاد کرد تا یک تولیدکننده، مسیر خود را به سمت فرآوری تغییر دهد؟ در این مسیر لازم است تمام مزیت‌هایی که می‌تواند برای تولیدکنندگان ایجاد جاذبه کند، به شفافیت اعلام شود. اینجاست که نقش تشکلهای تخصصی در ایجاد یک تصمیم در این بخش، بسیار پر رنگ خواهد بود.

یکی از موارد دیگری که لازم است به آن اشاره کنیم در ارتباط با تشکیل کارگروه توسعه‌ی بخش معدن کشور توسط دولت است. این کارگروه همان‌طور که از نام آن برمی‌آید، برای توسعه‌ی بخش معدن شکل گرفته و از این منظر شکل‌گیری این کارگروه بسیار مثبت ارزیابی می‌شود زیرا نشان می‌دهد مسئولین به اهمیت بخش معدن در اقتصاد کشور پی برده‌اند. برای آن که این کارگروه در تمام بخش‌های کشور عملیاتی شود، ستادهای اجرایی و توسعه‌ای در استان‌های مختلف ایجاد شده است. اما باید توجه کرد که این ستادها تنها با هدف پنجره واحد شکل گرفته، به این معنا که ستادهای اجرایی تشکیل شدند تا به قانون معادن به درستی عمل شود نه این که تصمیم‌گیرندگان در این ستادها چیز دیگری را جایگزین قانون معادن کنند. بخش معدن کشور دارای قانون مشخص و مدونی است و نمی‌توان برخلاف آن عمل کرد. اما تصویری که امروز در ستاد بسیاری از استان‌ها به وجود آمده این است که حاکمیت بخش معدن در اختیار آن‌ها قرار دارد و این ایرادی است که باید به سرعت حل شود چرا که در غیر این صورت چالش‌هایی جدی در پی خواهد داشت. صحبت ما این است که ایجاد این کارگروه را توسط دولت برای رفع مشکلات و نیازهای بخش معدن مانند اکتشاف، تامین ماشین‌آلات، زیرساخت‌ها و ... به فال نیک می‌گیریم اما این که مسئولین آن بخواهند در قانون دخالت کنند قطعاً کار صحیحی نیست و به بخش معدن کشور آسیب جدی خواهد زد. برداشتی که امروز از برخی جلسات متعدد این ستادها می‌شود، دخالت مستقیم در قانون معادن و فعالیت متولی بخش معدن است. گاهی این ستادها خود را فراتر از قانون دیده و اجازه می‌دهند به جای قانون تصمیم گرفته و عمل کنند. با ادامه‌ی این روند به سرمایه‌گذاری‌های رو به جلوی بخش معدن که تاکنون در این مسیر انجام شده، آسیب فراوانی وارد خواهد شد. اگر این نوع تصمیم‌گیری‌های خلاف قانون تداوم داشته باشد پیشنهاد صریح ما این است که از فعالیت این ستادها جلوگیری شود چرا که به این ترتیب نه فقط کاری انجام نخواهد شد بلکه نگرانی‌هایی هم در جامعه‌ی معدنی کشور ایجاد می‌شود که باید چه راهکاری در مقابل تصمیمات این ستادها اتخاذ کنند. زیرا همان‌طور که عرض کردم بسیاری از این تصمیمات به صراحت مخالف با قانون و وظایف قانونی است؛ به طور مثال تصور می‌کنند در واگذاری‌ها اجازه‌ی تصمیم‌سازی دارند که مطلقاً این مورد از وظایف آن‌ها نیست، این ذهنیت برای بخش معدن کشور ذهنیت مسمومی است. ما به عنوان یک تشکل اجرای صحیح قانون را خواستاریم و لاغیر. به دلیل موازی بودن برخی از تصمیمات در بخش معدن با سایر سازمان‌ها انتظار ما این است که

پنجره واحدی تشکیل شود تا نماینده‌ی بخش خصوصی هم در آن برای تسریع در کارها حضور داشته باشد و نه چیزی به غیر از این. البته از طرف دولت به ما اعلام کرده‌اند که حضور نماینده‌ی ما در این کارگروه تصویب شده اما از آنجا که هنوز این مصوبه بیرون نیامده تا این لحظه این خبر به صورت رسمی عنوان نشده است.

مهندس بهرامن ادامه داد: ما بر اساس اساسنامه‌ی خود و باتوجه به این که بخش معدن به سرعت در حال رشد است، به این نتیجه رسیدیم که به دنبال ایجاد نمایندگی در تمام کشور باشیم، در این راستا حرکت‌هایی را هم انجام داده‌ایم و می‌توان گفت نمایندگی‌های خانه معدن تقریباً در استان‌های معدن‌خیز فعالیت خود را آغاز کرده و خوشبختانه تاکنون نتایج خوبی هم داشته‌ایم. اگر فعالیت ستادهای کارگروه ادامه داشته باشد تقاضای ما این است که نماینده‌ی ما حتماً برای دفاع از حقوق فعالین خود با حق رای حضور داشته باشد، اما اگر این حضور بدون حق رای باشد آن را نمی‌پذیریم و به هیچ عنوان در این جلسات شرکت نخواهیم کرد. وقتی می‌گوییم پنجره واحد، یعنی باید نماینده‌ی تشکلهای ذینفع در این جلسات حضور داشته باشند ضمن آن که قانون بهبود فضای کسب و کار این اجازه را به تشکلهای ما داده که در کلیه‌ی تصمیم‌سازی‌هایی که برای آن‌ها می‌شود، خود نیز حضور داشته باشند و این یک انتظار اولیه و کوچک است که از دولت جدید خواستاریم.

زمانی که ما برای تامین ارز در داخل کشور با مشکل مواجه شدیم بعضی بخش‌ها توانستند در این التهابات و بحران‌هایی که در بخش‌های مالی به وجود آمد، خود را نشان دهند، یکی از آن‌ها بخش معدن کشور از فرآوری تا تولید بود. اگر نگاهی به بازار بورس بیندازیم، متوجه می‌شویم که یکی از این بخش‌ها هیچ‌گاه آسیب نخورده و اگر نگاهی به اقتصاد دنیا هم داشته باشیم، می‌بینیم بخش‌هایی که به طریقی به مواد معدنی وابسته بودند در بحران‌های مالی دنیا آسیب چندانی ندیده‌اند. بنابراین امروز سیاست‌گذاران ما با یک تاخیر زمانی به این نکته رسیدند که بخش معدن کشور یک مزیت است و در حقیقت الزام، ما را به این واداشت که امروز برای نعمت‌های خدادادی خود، برنامه‌ریزی و فکر کنیم. امید است برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در این بخش نه به منزله‌ی دخالت بلکه در جهت حمایت باشد.

◀ درختی که جوانه‌ی جدیدی نزند، مرده است

دکتر پرورش؛ عضو کنگره آسیایی معادن و پیشکسوت حوزه‌ی معادن کشور که بیش از نیم قرن در این بخش سابقه دارد و کارشناس سازمان ملل هم بوده است، می‌گوید: باید به این نکته توجه کرد که چرا در بخش معدن مشکل پیش می‌آید؟ گاهی این مشکل مربوط به اصل و ماهیت ذخایر معدنی است، به این ترتیب که یک کشور ذخایر معدنی خوبی ندارد یا اصلاً زمینه‌ای برای صنعتی شدن ندارد. در کشور ما به لطف خدا ذخایر معدنی فراوان است اما از آنجا که همواره بر درآمد حاصل از فروش نفت متکی بوده‌ایم کمتر به ماهیت کار، تولید و بقای خود فکر کرده‌ایم. در حقیقت

فضیلت کار و تولید فراموش شده و معدن هم که یک بخش اقتصادی است، جدا از این مجموعه نیست. بنابراین در بخش معادن کشورمان مشکل وجود دارد و به نظر من آن‌ها را خودمان ایجاد کرده‌ایم. اگر کمی انصاف داشته باشیم، می‌بینیم که دنیا در این زمینه برای ما چالشی ایجاد نکرده است. مگر کسی که قانون تدوین می‌کند، غیر از خود ما است؟ مگر کسی که قانون را اجرا می‌کند، غیر از خود ما است؟ مگر کسی که به کار و سرمایه‌گذاری در این بخش علاقمند بوده، غیر از خود ما است؟ و آیا دلمان می‌خواهد مشکل نداشته باشیم یا خیر؟! تصور من این است که نمی‌خواهیم مشکل نداشته باشیم؛ چرا که در غیر این صورت با این ذکاوتی که هم ملت و هم مسئولین دارند چرا باید با این شرایط دست به گریبان باشیم؟

باید خود را با دنیا همگام کنیم، اگر تصور کنیم تافته‌ی جدا بافته‌ایم، خرد و عقل جامعه‌ی خود را زیر سوال برده‌ایم. لازم است بدانیم دنیا برای بقای خود چه کار می‌کند، جمعیت دنیا روز به روز افزایش می‌یابد و حق همگان است که زندگی خوبی داشته باشند، بنابراین باید مرتب به دنبال توسعه بود؛ درختی که جوانه‌ی جدیدی نزنند، مرده است.

او در ادامه اضافه کرد: حدود سی سال پیش موضوع اقتصاد در تولید مطرح شد، سال ۱۹۸۷ در بخش عمران سازمان ملل متحد به نام UNDP (بخشی از سازمان ملل است که با کمک این سازمان توسعه‌های عمرانی مانند کشاورزی، معدنی، صنعتی و ... را انجام می‌دهد و بنده هم کارآموزی خود را در بخش معدن و صنایع معدنی در همین بخش عمران سازمان ملل متحد آغاز کرده‌ام.) شورای کاربردی تشکیل شد که تعریفی را در خصوص توسعه پایدار به این شرح اعلام کردند: «نظامی از توسعه که در آن نیازهای اولیه‌ی مردم تامین شود به طوری که نسل‌های آتی برای استمرار زندگی خود با مشکل مواجه نشوند.»

این یک تعریف کلی است که از ابتدای کار در رسانه‌ها برای مردم، اهل فرهنگ و اهل اقتصاد و صنعت ما به درستی تعریف نشده است. این تعریف تفسیر دارد: زمانی که گفته می‌شود نیازهای اولیه‌ی مردم تامین شود به معنای آن است که یک کار اقتصادی صحیح انجام گیرد و بشریت در رفاه قرار داشته باشند تا نسل‌های آینده هم با مشکل مواجه نشوند. این یک کار فردی نیست بلکه جنبه‌ی جمعی داشته و نیاز به برنامه‌ریزی دارد. علت مشکلات در بخش معدن همین است که به سمت فردگرایی رفته؛ بنابراین مشکل ما در طرز تفکر جامعه بوده و این که در خردورزی جامعه، همسویی اقتصادی نداریم؛ اینجا علم می‌تواند به کمک ما بیاید ولی در اقتصاد و علم نیز همسویی نداریم و اگر کسی بخواهد این جامعه را هدایت کند باید این مسئله را در نظر داشته باشد که اقتصاد و علم همسو با یکدیگر باشند. لازم است یک مدل کار تولید و اندیشه ایجاد شود و ما به کار جمعی برسیم؛ در غیر این صورت برنامه‌هایی که داشته‌ایم یک استراتژی سراب‌پیمایی بوده که همیشه یک سری حرف‌های بزرگ زده و گذران عمر کرده‌ایم اما به جایی نرسیده‌ایم. چند معدن جدید در ۱۰ سال گذشته شروع به کار کرده‌اند؛ سطح کشور را پر از محدوده‌های اکتشافی کرده و به مردم واگذار می‌کنند؛ این در حالی است که در بسیاری از این سطوح پهنه‌بندی شده اصلاً ماده‌ی

معدنی وجود ندارد اما پروانه‌ی اکتشاف برای آن‌ها صادر شده و ایجاد حق کرده است. بنابراین بستر قانونی و آیین‌نامه‌های اجرایی برای پیاده کردن قانون که حقی برای اکتشاف‌کننده ایجاد کرده، صحیح نبوده است. چرا در اجرای قانون معادن که هرکسی می‌تواند دست به اکتشاف بزند (که البته این هم اشتباه است) سطح کشور به عنوان محدوده واگذار می‌شود؟! بنابراین اولین مشکل ما و عاملی که در آن نقش دارد، بستر قانونی برای توسعه‌ی معادن است که ادارک لازم در آن دیده نشده؛ ممکن است قانون مشکل چندانی نداشته باشد اما یا آیین‌نامه‌های اجرایی آن به درستی تدوین نشده یا مجریان از آن آگاهی چندانی ندارند.

بر اساس قانون معادن هر فرد حقیقی می‌تواند اکتشاف کند، اینجاست که به راه انحرافی رفته‌ایم: کجا را اکتشاف کند؟ آیا باید در جایی ذخیره‌ی معدنی، اقتصادی وجود داشته باشد که واگذار شود یا خیر؟ کسی به این مورد توجه نمی‌کند و هر فرد هر محدوده‌ای را از سه ضلعی تا ۳۲ ضلعی پیشنهاد می‌دهد، بی‌توجه به این که آیا اداره منابع طبیعی با کار در آن محدوده موافقت می‌کند یا خیر، اصلاً جزء مناطق ممنوعه‌ی منابع طبیعی و محیط زیست است یا خیر، حریم راه است یا خیر، در محل پروژه‌های ملی قرار گرفته یا خیر! بنابراین آیین‌نامه‌ی اجرایی به درستی عمل نمی‌شود و به نظر من مجریان قانون نباید به هر منطقه‌ای اجازه‌ی ثبت دهند. ما در کشور دستگاه مسئول و سازمان زمین‌شناسی داریم که باید محدوده‌هایی را که دارای ذخایر معدنی است، تعیین کند. این در حالی است که شوره‌زارها و بیابان‌های لم‌بزرعی را که هیچ ذخیره‌ای در آن‌ها نیست، ثبت کرده و سپس از متقاضی می‌خواهند که استعلام‌های لازم را از سازمان‌ها و اداره‌هایی چون منابع طبیعی بگیرد و بسیاری اوقات این ارگان‌ها نیز به دلیل وجود بوته‌ها و پوشش گیاهی با کار معدنی در آن محدوده موافقت نمی‌کنند. در صورتی که قانون معادن عنوان کرده وزارتخانه باید بستر لازم را برای این کار ایجاد کند. این مشکل وزارتخانه است که کاغذی به دست متقاضی داده و از او می‌خواهد از چند سازمان استعلام بگیرد، این صحیح نیست

▼ دکتر پرورش؛ عضو کنگره آسیایی معادن و پیشکسوت حوزه‌ی معادن کشور



و گرفتن این استعلام‌ها به عهده‌ی خود وزارتخانه است، آن‌ها باید بدانند در محدوده‌ای که فردی تقاضا داده آیا ذخیره‌ی اقتصادی وجود دارد یا خیر؟! آیا آن محدوده از نظر ارگان‌های دیگر برای فعالیت معدنکاری بلامانع است یا خیر؟! و بعد به او مجوز دهند نه این که اول به متقاضی مجوز داده و سپس او را به دنبال گرفتن استعلام‌ها بفرستند. آیین‌نامه‌ی اجرایی به درستی عمل نمی‌شود و عده‌ای هم از این موقعیت در جهت رانت‌خواری استفاده می‌کنند به این ترتیب که متقاضی محدوده‌ای را ثبت می‌کند و تصور او این است که آن محدوده به عنوان ملکی در اختیار او قرار گرفته، اگر بتواند مشکلات اجرایی آن را با ۳۰، ۴۰ میلیون تومان حل کرده و سپس آن مجوز را ۲ میلیارد فروخته و یک شبه ثروتمند می‌شود؛ ممکن است نفر بعدی هم آن پروانه را بفروشد؛ این کار در چرخش است در حالی که در آن محدوده اصلاً ذخیره‌ی اقتصادی وجود ندارد. روند کار در بخش معدن کشور در ۱۰ سال گذشته به این ترتیب بوده است: بیش از ۳۰ سازمان صنعت، معدن و تجارت در کشور ایجاد شده که در هر کدام تعدادی مهندس و کارشناس حضور دارند و این جوانان معصوم را پای سیستم نشانده‌اند که نقشه‌کشی کنند و از طرفی عده‌ای هم با گرفتن مجوز اکتشاف، محق شده‌اند در حالی که اطلاعی از معدن و معدنکاری ندارند،

به این ترتیب رانت ایجاد می‌شود. انرژی مملکت در ۱۲، ۱۳ سال اخیر در این راه تلف شده؛ دانش‌آموختگان جوان مملکت، فرزندان ما هستند؛ زمان ارزش دارد چرا آن‌ها باید به اغفال، مهندس مسئول محدوده‌ای شوند که اصلاً در آن ذخیره‌ی اقتصادی وجود ندارد؟! سازمان زمین‌شناسی مناطق مختلف کشور را مطالعه کرده و از ذخایر معدنی با اطلاع است؛ شاید هزاران محدوده در کشور وجود دارد که دارای کانسار مس است، اما این‌ها عیارهایی دارند که نمی‌توان آن‌ها را بعد از استخراج توسط کامیون بار زد و به جایی فروخت. باید برای استفاده از آن‌ها کارخانه احداث کرد تا ابتدا فرآوری و پربعبارسازی روی آن‌ها صورت گیرد. حتی احداث کارخانه برای ذخایر کمتر از ۵ میلیون تن اقتصادی نیست، بنابراین معدنی که ۸۰ هزار تن ذخیره دارد، چطور می‌تواند توسعه‌ی معدنی را به دنبال داشته باشد؟! این چه اکتشافی است؟!

مسلم است در پوسته‌ی جامد سطحی زمین مخلوطی از سیلیسیم و آلومینیم وجود دارد که خاک معمولی زمین را تشکیل داده، عمده‌ترین عناصر خاک رس که با آن کوزه‌گری کرده و یا در آجرسازی و زراعت استفاده می‌شود همین آلومینیم و سیلیسیم است. یک سری عناصر قلیایی دیگر مانند سدیم، پتاسیم، کلسیم و منیزیم و یا عناصر فلزی چون آهن و سرب هم به مقدار جزئی در آن وجود دارد، همه‌ی مواد در مجموعه‌ی پوسته‌ی جامد زمین قرار دارد. اما معدن جایی است که ذخیره‌ی متمرکز و

دکتر پرورش؛ معدنکاری، فعالیت جمع‌محور در اقتصاد است که اگر به صورت فردگرایی انجام شود به رانت انجامیده و کسی که کاری بلد نیست، مدعی و تبدیل به یک نابغه می‌شود. این نیاز به یک تحول اساسی در ساختار مدیریتی دارد. مورد دیگر این که مقداری تجربه، تعقل و تدبیر در مدیریت ساختاری چیزی است که دولت جدید باید به آن توجه کند، شکی در دلسوزی آحاد شخصیت‌هایی که مسئولیت‌هایی اینچنین سنگین را می‌پذیرند، نیست و شهادت بالایی را می‌طلبد. کسی که می‌خواهد این مشکلات را حل کند باید یک کاوه آهنگر باشد و البته افرادی که مسئولیت می‌پذیرند، اینچنین هستند

متراکم با عیار بالا از یک عنصر وجود داشته و استخراج و بهره‌برداری از آن اقتصادی باشد. به طوری که از آن ذخیره (فلزی یا غیر فلزی)، ماده‌ی تغلیظ شده‌ی پربعباری به دست آید تا بتوان آن را ذوب کرد و در صنعت مورد استفاده قرار داد. آن صنعت نیز فلز یا ماده‌ای را به دست آورد و صنایع متفرقه‌ی زیردستی دیگری هم از آن به وجود آید و مجموعه‌ی این‌ها، تولیدی را ایجاد کند که مورد نیاز افراد جامعه بوده و سرانجام صادرات صورت گیرد؛ این یعنی توسعه‌ی پایدار.

متاسفانه تفسیر اشتباهی از خط فکری و تعالیم ما شده است، می‌گویند معادن انفال و متعلق به همه است، در سوره‌ی انفال آمده است: «يسألونك عن الأنفال قل الأنفال لله والرسول فاتقوا الله وأصلحوا ذات بینکم»، از پیامبر (ص) سوال شد انفال چیست؟ ایشان در پاسخ فرمودند: «انفال آن چیزی است که در جهت تامین نیازها و رفاه جامعه (یعنی تقریباً همان تعریف توسعه پایدار از سوی سازمان ملل) باشد که در اختیار خداوند و پیامبر (ص) است»، که در جامعه‌ی ما در اختیار نایب بر حق بوده؛ بنابراین این گونه نیست که به بهانه‌ی انفال بودن معادن، هرکسی به دنبال آن باشد و به عنوان معدنکار و زمین‌شناس شناخته شود. این به گمراهی کشاندن استناد فقهی و تفسیر این آیه‌ی قرآن است و توسط کسانی انجام می‌شود که به دنبال رانت‌خواری هستند. بنده مخالف آن هستم که پروانه‌ی اکتشاف به هرکسی داده شود، بر اساس این آیه، معادن نه برای همه بلکه در جهت رفاه و استمرار زندگی همه‌ی مردم است. امیدوارم دولت جدید در سمت و سوی اقتصاد و علم، تعقل و تدبیر را پیشه کند تا این مشکل حل شود. دکتر پرورش در پایان اضافه کرد: به نظر من اگر دولت جدید در بخش معدن کارگروه‌هایی ایجاد کرده و افراد باتجربه‌ای را در آن‌ها بگنجانند و از تجربه‌ی کشورهای دیگر استفاده کنند، به نتیجه‌ی بهتری خواهیم رسید. کشور عمان و امارات را در نظر بگیرد که پیش از این تنها استخراج نفت داشتند اما امروزه دارای چندین معدن هستند، امارات صادرکننده‌ی کرومیت شده است، این‌ها یعنی تدبیر و تعقل. حال ما چه کرده‌ایم؟ تنها وقت، انرژی و سرمایه‌ی عده‌ای تلف شده است.

من از روی دلسوزی می‌گویم که معدنکاری، فعالیت جمع‌محور در اقتصاد است که اگر به صورت فردگرایی انجام شود به رانت انجامیده و کسی که کاری بلد نیست، مدعی و تبدیل به یک نابغه می‌شود. این نیاز به یک تحول اساسی در ساختار مدیریتی دارد. مورد دیگر این که مقداری تجربه، تعقل و تدبیر در مدیریت ساختاری چیزی است که دولت جدید باید به آن توجه کند، شکی در دلسوزی آحاد شخصیت‌هایی که مسئولیت‌هایی اینچنین سنگین را می‌پذیرند، نیست و شهادت بالایی را می‌طلبد. کسی که می‌خواهد این مشکلات را حل کند باید یک کاوه آهنگر باشد و البته افرادی



که مسئولیت می‌پذیرند، اینچنین هستند. از انتقاد من کسی ناراحت نشود چراکه باید بپذیریم مشکلات را خود ما به وجود آورده‌ایم ولی می‌توانیم خودمان آن‌ها را حل کنیم، اگر بخواهیم.

◀ دولت‌ها معمولاً دیر به فکر اهمیت حوزه‌ی معدن می‌افتند

مهندس صادقی پناه؛ عضو هیات مدیره خانه معدن ایران اظهار داشت: با توجه به این که بیش از سی و پنج سال در قسمت‌های مختلف بخش معدن کشور فعالیت کرده و در همه‌ی زمینه‌ها تجربه‌ای دارم، بنابراین می‌توانم مسائلی در رابطه با بخش‌های مختلف معدن کشور ارایه دهم. البته آنچه بنده عنوان می‌کنم، نظرات خود من است ولیکن تقریباً همه‌ی این موارد، نظرات بسیاری دیگر از فعالان بخش معدن نیز هست چراکه در جلسات متفاوتی در تشکل‌ها مورد مذاکره قرار گرفته‌اند.

اجازه بدهید از با اهمیت‌ترین رکن توسعه شروع کنم؛ می‌دانیم برای هر کشور، دولت و ملتی که می‌خواهد توسعه پیدا کند تا هم خود در رفاه و آرامش بهتری زندگی کند و هم بتواند به سایر کشورها یاری رساند، اصل محور، توسعه‌ی اقتصادی است چراکه توسعه‌های سیاسی و اجتماعی را هم در هر زمینه‌ای رشد خواهد داد. برای دستیابی به توسعه‌ی اقتصادی باید مزیت‌های کشور را شناخت تا کار در زمینه‌ی این مزیت‌ها، توسعه‌ی اقتصادی را در پی داشته باشد. کشور ما در بخش نفت و گاز مزیت داشته و دارد، در بیش از یکصد سال گذشته هم از این مزیت، سود جسته و به این ترتیب کشور را اداره کرده‌ایم ولی مزیت‌های دیگری هم برای توسعه‌ی اقتصادی در اختیار داریم. اما از آنجا که فقط روی مزیت نفت و گاز تمرکز

بسیار خوبی داشته‌ایم، سایر مزیت‌ها را پا به پای آن‌ها پیش نبرده‌ایم. متأسفانه به اقتصاد تک‌محصولی دچار شده‌ایم و نفت و گاز را هم عمدتاً به صورت خام و بدون ایجاد ارزش افزوده‌ی مناسب می‌فروشیم، در فراز و نشیب‌های قیمت نفت و تصمیمات سوء خریداران هم آسیب‌پذیر هستیم و بسیاری مشکلات دیگر هم صرفاً به علت اقتصاد تک‌محصولی ما رخ داده است.

دولتمردان ما تازه به این فکر افتاده‌اند که از سایر مزیت‌ها بیشتر استفاده کنند. به علت وسعت زیاد کشور، زمین‌های حاصلخیز و مراتع زیادی که در اختیار داریم کشاورزی با تمام بخش‌های مشمول و وابسته‌اش مزیت محسوب شده و البته جای کار زیادی دارد.

به علت تنوع آب و هوا، تاریخ کهن و بسیاری نعمت‌های خدادادی دیگر، مزیت‌هایی در گردشگری و جذب توریسم و سایر زمینه‌های با ارزش و قابل توجه دیگر هم در اختیار داریم که هر کدام در جای خود در خور توجه هستند.

اما یک مزیت اصلی دیگر در اختیار داریم که حتی بیش از حوزه‌ی نفت و گاز است و نه تنها می‌تواند بدون

محدودیت نقش قابل توجهی در توسعه‌ی اقتصادی کشور ایفا کند، بلکه تاثیر بسیار خوبی در حل بسیاری از معضلات داخلی داشته و آسیب‌پذیری کمتری هم دارد، از طرفی کاملاً صادراتی و ارزآور است؛ و آن، مزیت سایر مواد معدنی است. این مواد معدنی و نعمت‌های خدادادی به وفور و با تنوع بسیار در پهنه‌ی کشور عزیزمان ایران به ودیعه گذاشته شده‌اند. با شناخت کمی که تاکنون از وجود منابع، ذخایر معدنی و عناصر بسیار ارزشمند و کمیاب داریم، بخش مذکور، این اطمینان را برای ما ایجاد کرده که باید در این زمینه بیشتر فعالیت کنیم و به این ترتیب قطعاً ذخایر بسیاری کشف خواهیم کرد. بنابراین اولاً بهره‌برداری از این ذخایر و

ایجاد صنایع پایین‌دستی و تولید با امکان ایجاد ارزش افزوده‌ی بسیار بالاتر، تاثیر بسیار زیادی در رشد اقتصادی کشور خواهد داشت (تجربه‌ی گذشته هم نشان داده این بخش در مقابل تحریم‌ها و بحران‌های اقتصادی نیز از آسیب‌پذیری کمتری برخوردار بوده و همواره رشد مورد نظر را در برنامه طی کرده است)؛ ثانیاً بخش عمده‌ای از معضل اشتغال را برطرف می‌نماید و دیگر این که در عمران و آبادی کشور به ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته در جهت محرومیت‌زدایی حرف اول را می‌زند. این بخش نه تنها اقتصاد کشور را از تک‌محصولی بودن می‌رهاند، بلکه می‌توان از آن در جهت ایجاد ارزش افزوده در صنایع معدنی استفاده کرد و در این صورت تولید بالا با ارزش افزوده‌ی بسیار بیشتری در داخل ایجاد می‌شود.

تجربه و محاسبه‌ی تاثیر معدن بر اقتصاد کشور بر اساس یک مطالعه‌ی تحقیقاتی دانشگاهی مستند، نشان می‌دهد که هر یک درصد رشد در بخش معدن و صنایع معدنی کشور معادل ۰/۳ درصد رشد در اقتصاد کشور ایجاد می‌کند.

مهندس صادقی پناه؛ مواد معدنی و نعمت‌های خدادادی به وفور و با تنوع بسیار در پهنه‌ی کشور عزیزمان ایران به ودیعه گذاشته شده‌اند. با شناخت کمی که تاکنون از وجود منابع، ذخایر معدنی و عناصر بسیار ارزشمند و کمیاب داریم، بخش مذکور، این اطمینان را برای ما ایجاد کرده که باید در این زمینه بیشتر فعالیت کنیم و به این ترتیب قطعاً ذخایر بسیاری کشف خواهیم کرد. بنابراین بهره‌برداری از این ذخایر و ایجاد صنایع پایین‌دستی و تولید با امکان ایجاد ارزش افزوده‌ی بسیار بالاتر، تاثیر بسیار زیادی در رشد اقتصادی کشور خواهد داشت

– وزارتخانه مستقل برای معدن و صنایع معدنی

رییس کمیته اکتشافات خانه معدن ادامه داد: سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت در این بخش مهم اقتصادی واقعا نیاز به یک وزارتخانه مستقل و جدا دارد؛ بعد از پیروزی انقلاب به درستی وزارت معادن و فلزات، تشکیل و گام‌های مهمی برای ارتقای بخش معدن برداشته شد ولی متاسفانه ادغام اول آن با وزارت صنایع و بعد هم ادغام هر دوی آن‌ها با وزارت بازرگانی، لطمه‌های جبران‌ناپذیری به بخش معدن کشور وارد کرد. در حال حاضر برای انجام مأموریت‌های مهمی که دولت در بخش معدن و صنایع معدنی دارد و به دلیل آن که این بخش دارای قانون مستقل بوده و باید مجری پاسخگو برای قانون معادن وجود داشته باشد، تشکیل وزارت مستقل معدن و صنایع معدنی پیشنهاد اولیه‌ی دست‌اندرکاران و

فعالان این بخش است تا دولت ساختار لازم برای دستیابی به اهداف فوق‌الذکر را داشته باشد.

بدیهی است که وزارت جدید معادن و صنایع معدنی متشکل از سه نهاد موجود در رابطه با بخش معدن شامل معاونت امور معادن و صنایع معدنی، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی کشور و سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور خواهد بود که در داخل خود، معاونت‌های مختلفی را برای کلیه بخش‌های معدن از مطالعات زمین‌شناسی و اکتشافات تا بهره‌برداری و توسعه‌ی صنایع معدنی خواهد داشت.

البته نباید اینگونه برداشت شود که به علت نبود وزارتخانه‌ی مستقل، تا به حال هیچ کاری انجام نگرفته یا آن که این مزیت، شناخته نشده و تاکنون نیز اهمیتی به آن داده نشده است.

همانگونه که می‌دانید در سند چشم‌انداز، به معدن به عنوان رکن عمده‌ای در رسیدن به اهداف پرداخته شده و در قوانین برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه‌ی کشور نیز بارها مورد توجه بوده و موارد مستقل و خاصی نیز به آن تعلق گرفته است. ولی متاسفانه در عمل فراموش شده بنابراین لازم است یک‌بار دیگر مورد بازبینی و توجه قرار گیرد و برای اجرای کامل این موارد برنامه‌ریزی شود.

در ماده‌ی ۱۵۷ قانون برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی اقتصادی کشور، به صراحت قید شده که دولت موظف است کلیه نقشه‌های پایه را تهیه نماید و پی‌جویی و اکتشاف عمومی را برای شناخت تمام پتانسیل‌های معدنی کشور انجام دهد. سپس پتانسیل‌ها را برای انجام اکتشافات تفصیلی به بخش خصوصی واگذار کند و بدیهی است برای انجام اکتشاف عمومی و تهیه نقشه‌های مبنا، باید از بخش خصوصی استفاده کرده، کلیه اطلاعات و داده‌ها را در یک پایگاه جامع اطلاعات، جمع‌آوری و از آن طریق در اختیار عموم قرار دهد، همچنین زیرساخت‌های لازم برای امکان فعالیت در مناطق معدنی و معادن بزرگ را هم مانند راهسازی، برق‌رسانی، نیرورسانی و ... ایجاد کند.

■ **مهندس صادقی‌پناه: بر اساس یک تحقیق دانشگاهی مستند، هر یک درصد رشد در بخش معدن و صنایع معدنی کشور، معادل ۰/۳ درصد رشد در اقتصاد کشور ایجاد می‌کند. تشکیل وزارت مستقل معدن و صنایع معدنی پیشنهاد اولیه‌ی دست‌اندرکاران و فعالان این بخش است تا دولت ساختار لازم برای دستیابی به اهداف مهم را داشته باشد**

همانطور که می‌بینید در این ماده‌ی قانونی به طور کامل و واضح وظیفه‌ی حاکمیتی برای رونق بخش معدن تعیین و تکلیف شده و اگر این کارها در یک یا دو برنامه به صورت کامل توسط دولت پیگیری و انجام شود به دنبال آن بخش خصوصی وارد شده، اکتشافات را تکمیل می‌کند، بهره‌برداری از معادن را به بهترین شکل انجام می‌دهد، همچنین صنایع معدنی را تا آخرین حلقه‌های تولیدی احداث کرده و چرخه‌های اقتصادی را به حرکت در می‌آورد. همانطور که در سایر کشورهای پیشرفته و معدن‌محور هم این‌گونه بوده؛ به این ترتیب که تامین سرمایه، برنامه‌ریزی و هدایت و نظارت در ایجاد زیرساخت‌ها و اکتشافات عمومی مواد معدنی و تهیه نقشه‌های مختلف پایه توسط دولت‌ها صورت می‌گیرد، سپس بقیه‌ی امور را به بخش خصوصی واگذار کرده

و تسهیلاتی در زمینه‌های مختلف فراهم می‌کنند تا بخش خصوصی به راحتی و با رغبت وارد این حوزه شود. آن‌ها می‌دانند که در این صورت فعالیت‌های بعدی تماما توسط خود مردم و بخش خصوصی انجام می‌گیرد، ارزش افزوده‌ها بیشتر و بیشتر در حلقه‌های بعدی به وجود می‌آید، از این تسلسل حلقه‌های کاری، تولید، اشتغال، ثروت و رفاه بیشتری ایجاد می‌شود، اقتصاد رونق می‌یابد و رفح محرومیت‌ها و آبادانی صورت می‌گیرد و ...

سوالی که پیش می‌آید این است که با وجود شرایط خوبی که فعالیت‌های معدنی ایجاد می‌کنند، پس چرا در کشورمان مسائلی که پیش از این به آن‌ها اشاره شد، به درستی صورت نمی‌گیرد؟

پاسخ مشخص است؛ شروع کار توسط دولت و وظیفه‌ای که در ماده‌ی ۱۵۷ قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه‌ی اقتصادی کشور بر عهده‌ی دولت گذاشته شده، نیاز به سرمایه، بودجه و اعتبار اولیه دارد که متاسفانه به درستی پیش‌بینی نشده و در نتیجه با توجه به این‌که سایر الزامات کار مهیا است و کمبودی در سایر نیازها نداریم، بیش از دو سال از برنامه‌ی پنجم گذشته اما هیچ اقدامی در این مورد صورت نگرفته است.

در ماده‌ی ۱۵۷ مذکور پیش‌بینی شده که دولت وظایف ذکر شده را در سقف بودجه‌ی سنواتی انجام دهد!

ملاحظه می‌کنید کار بزرگی به عهده‌ی دولت گذاشته شده که تماما درست، لازم و ضروری است و باید بسیار پیش‌تر از این‌ها انجام می‌گرفت و البته حتما باید عملی شود. تهیه نقشه‌های پایه در سراسر کشور که شامل کلیه لایه‌های مختلف نقشه‌های زمین‌شناسی حداقل تا مقیاس ۱:۲۵۰۰۰ زمین‌شناسی عمومی، زمین‌شناسی ساختمانی، زمین‌شناسی معدنی، زمین‌شناسی اقتصادی، دورسنجی، محیط زیستی و ... است قطعا با بسیج تمام نیروها در مدت زمان یک برنامه نمی‌تواند، به سرانجام رسد. مراحل مختلف اکتشافات شامل اکتشافات عمومی و شناسایی تمامی پتانسیل‌های کشور یعنی ژئوفیزیک هوایی با پروازهایی در فواصل زیاد تا فواصل نزدیک‌تر و بعد ژئوفیزیک زمینی در روش‌های مختلف مغناطیس‌سنجی، رادیومتری،

ژئوالکترونیک، مقاومت سنجی، ثقل سنجی و ...، مطالعات و تهیه نقشه‌های ژئوشیمیایی تا حداقل مقیاس ۱:۲۵۰۰۰، حفاری‌ها، تست‌های آزمایشگاهی، مدلسازی و تعبیر و تفسیر و تلفیق اطلاعات در سیستم‌های GIS، معرفی محدوده‌های پتانسیل دار معدنی به عموم برای اکتشافات نیمه تفصیلی و تفصیلی و ... باید با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی انجام شود.

ایجاد و تقویت پایگاه جامع اطلاعات و داده‌های علوم زمین برای جمع‌آوری تمامی اطلاعات، نقشه‌ها، گزارش‌ها، مدارک، نتایج آزمایش‌ها و حتی بخشی از نمونه‌های خاک و سنگ که از حفاری‌های عمقی به دست می‌آید، راهسازی به مناطق معدنی که تقریباً در تمام وسعت کشور وجود دارند و شبکه‌ی راه‌های بسیاری را طلب می‌کند، برق‌رسانی، گازرسانی و ...، این همه کارهای بزرگ در قالب سقف بودجه‌ی سنناتی در یک برنامه‌ی پنج‌ساله قابل انجام است؟! بسیار خوب معلوم است که حتی یک بخش کوچکی از آن هم نمی‌تواند انجام شود و قطعاً نیاز به اختصاص بودجه و اعتبار خاص دارد.

سوال دوم این است که چقدر منابع مالی نیاز است، آیا محاسبه و برآورد شده است؟

بله محاسبه و برآورد شده است؛ جزئیات برنامه‌ی اجرایی بند الف و ب ماده ۱۵۷ قانون برنامه‌ی پنجم توسط سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور که اجرای این ماده‌ی قانونی را به عنوان بخش تخصصی در دولت بر عهده دارد (البته این وظیفه را از سال‌ها قبل داشته و دارد و متناسفانه تنها بخش کمی از آن را انجام داده) به تفصیل و تفکیک تعیین شده و با همکاری خانه معدن ایران و کارشناسان و متخصصین این حرفه بررسی، اصلاح و تایید شده است. برنامه‌ی اجرایی آن نیز آماده است و برآورد شده که اجرای آن معادل پنج میلیارد دلار بودجه نیاز دارد؛ البته کارشناسان و فعالان بخش معدن و صنایع معدنی در کمیته‌های مختلف خانه معدن برآورد کرده‌اند که حدود پنج میلیارد دلار دیگر هم لازم است تا به عنوان تسهیلات در اختیار بخش خصوصی برای ادامه‌ی مطالعات و عملیات اکتشافی و بهره‌برداری از ذخایر، قرار گیرد.

همچنین به نظر می‌رسد در راستای ایجاد زیرساخت‌های قید شده در بند ج ماده ۱۵۷ قانون برنامه‌ی پنجم یعنی همان راهسازی‌ها و رساندن برق و گاز و ... به مناطق معدنی و معادن بزرگ هم معادل پنج میلیارد دلار نیاز است.

به عبارت دیگر تخصیص یک بودجه‌ی پانزده میلیارد دلاری، بخش معدن و صنایع معدنی کشور را راه می‌اندازد و به این ترتیب قانون برنامه اجرا شده، به اهداف سند چشم‌انداز نزدیک می‌شویم و قطعاً در آینده‌ای نه‌چندان دور بخش معدن نه تنها می‌تواند معادل نفت و گاز تولید و درآمد داشته باشد، بلکه از ارقام معادل آن نیز پیشی خواهد گرفت.

مهندس صادقی پناه: در ماده ۱۵۷ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی کشور، به صراحت قید شده که دولت موظف است کلیه نقشه‌های پایه را تهیه نماید و پی‌جویی و اکتشاف عمومی را برای شناخت تمام پتانسیل‌های معدنی کشور انجام دهد. همچنین موظف است کلیه اطلاعات و داده‌ها را در یک پایگاه جامع اطلاعات جمع‌آوری و از آن طریق در اختیار عموم قرار دهد و زیرساخت‌های لازم برای امکان فعالیت در مناطق معدنی و معادن بزرگ مثل راهسازی، برق‌رسانی، نیرو رسانی و ... را هم ایجاد کند

سوال سوم این است که آیا مبلغ پانزده میلیارد دلار زیاد است، آیا تامین آن امکان دارد و یا آن که خیلی سخت است؟

با توجه به اینکه بنا به اظهارات خود دولتمردان در هشت سال گذشته حدود ششصد میلیارد دلار در بخش نفت درآمد داشته‌ایم، به نظر می‌رسد اختصاص پانزده میلیارد دلار (دو و نیم درصد از این مقدار) در یک دوره‌ی حدود هشت ساله برای انجام یک چنین کار مهمی در بخش معدن زیاد نباشد. زیرا در عوض تاثیر قابل توجهی در توسعه‌ی اقتصادی کشور خواهد داشت و از طرفی مهم‌ترین مزیت موجود در کشور برای توسعه‌ی اقتصادی، توزیع آبادانی، افزایش تولید و ایجاد اشتغال است که چندین ده برابر این سرمایه را باز می‌گرداند، بنابراین امکان اختصاص این سرمایه دیده می‌شود. با توجه به پتانسیلی که این بخش دارد حتماً باید بودجه‌ی مذکور به آن اختصاص داده شود و کارها بدون معطلی آغاز گردد. علاوه بر تخصیص بودجه، الزامات دیگری لازم است که در ادامه به طور مختصر به آن اشاره خواهد شد ولی در مجموع می‌توان گفت در سایر الزامات مشکل خاصی وجود ندارد و تماماً با توجه به امکانات موجود و

با یک سلسله اقدامات اصلاحی و آماده‌سازی قابل دسترس است. ولی پیش از این که به الزامات دیگر و امکانات موجود بپردازیم، بهتر است نگاهی هم به بخشنامه‌ی معرفی مناطق مستعد معدنی و کارگروه توسعه‌ی بخش معدن داشته باشیم.

دستورالعمل معرفی و انتخاب مناطق مستعد معدنی و پهنه‌بندی مناطق برای انجام عملیات شناسایی و پی‌جویی اولیه توسط متقاضیان

مهندس صادقی پناه ضمن بیان این که اخیراً دولت با توجه به درک اهمیت و لزوم توسعه‌ی بخش معدن و صنایع معدنی و اعتقاد به این که قطعاً باید ابتدا از مرحله‌ی شناسایی و پی‌جویی مواد معدنی شروع کند، اظهار داشت: کارگروه توسعه بخش معدن به ریاست رئیس جمهور محترم تشکیل شد؛ در این راستا بخشنامه‌ای هم به کلیه استان‌ها ابلاغ شده تا مناطق پتانسیل‌دار را به کمک سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور، شناسایی و پهنه‌بندی کرده و پهنه‌ها را برای انجام مطالعات اولیه به متقاضیان از طریق مزایده واگذار کنند تا متقاضیان با سرمایه‌گذاری خود شناسایی و پی‌جویی اولیه را انجام دهند.

از اینکه مفاد بخشنامه در بسیاری موارد، مغایرت‌هایی با قوانین و مقررات موجود در کشور دارد، بگذریم ولی نفس کار دو جنبه‌ی مهم دارد: ابتدا این که دولت متناسفانه بسیار دیر و در ماه‌های پایانی دوره‌ی قانونی فعالیت خود، - ولی به هر حال - به فکر لزوم توسعه‌ی بخش معدن و صنایع معدنی افتاده و اما جنبه‌ی مثبت آن، همانطور که قبلاً نیز

اشاره شد آغاز و توسعه‌ی کار از مرحله‌ی اول یعنی شناسایی، پی‌جویی و اکتشافات است که البته این جای تقدیر و تایید دارد. ولی قطعاً اجرای آن به شکلی که در بخشنامه‌ی مذکور و پیوست‌های آن ذکر شده - علاوه بر مغایرت با برخی مفاد قانونی - به نظر می‌رسد که مشکلات اساسی دیگری را گریبان‌گیر بخش معدن کشور خواهد کرد. دلیل اصلی آن هم این است که این تصمیم با شتاب و بدون مشورت با تشکل‌ها و فعالان بخش معدن و بدون کارشناسی لازم و صرفاً به صورت دستوری و از بالا صورت گرفته است.

این اقدام به هیچ‌وجه جای اجرای ماده ۱۵۷ قانون برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی اقتصادی کشور را نمی‌گیرد و کاری نیم‌بند است که همراه با درک نادرست برخی مقامات خارج از حوزه‌ی بخش معدن احتمالاً به بیراهه خواهد رفت. بهتر است این مورد در دولت جدید همراه با تصمیم‌گیری اصولی برای توسعه‌ی بخش معدن کشور، مورد تجدید نظر قرار گیرد. و اما مختصری در مورد الزامات توسعه‌ی بخش معدن و صنایع معدنی کشور علاوه بر لزوم اختصاص بودجه و اعتبار خاص و استفاده از امکانات موجود در این بخش ذکر می‌کنم:

۱- سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور

به هر حال اجرای بندهای الف و ب ماده ۱۵۷ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه‌ی اقتصادی کشور نیاز به یک مدیریت یکپارچه در دولت دارد و قطعاً سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور باید این وظیفه را بر عهده گیرد. این سازمان بستر لازم را از نظر توان تشکیلاتی و تخصصی دارا است؛ به ویژه این که در حال حاضر ظاهراً چهل و چهار دفتر در سی و یک استان کشور در رابطه با شناسایی و پهنه‌بندی‌ها برای معرفی مناطق پتانسیل‌دار ایجاد کرده است. این امکان خوبی است و در صورت وجود منابع مالی مورد نظر که گفته شد، لازم است سازمان ساختار اجرایی خود را با همفکری متخصصین، کارشناسان و فعالان این حرفه که عموماً در تشکل‌های صنفی و حرفه‌ای تمرکز یافته‌اند، اصلاح نماید به طوری که به صورت کارا و موثر مدیریت، هدایت و نظارت را بر عهده گرفته و با استفاده و واگذاری کارهای اجرایی به شرکت‌های مهندس مشاور و پیمانکاران بخش خصوصی این مهم را به سرانجام برساند. به این ترتیب کلیه‌ی داده‌ها، اطلاعات، نقشه‌ها، گزارش‌ها و نمونه‌ها را به شکل مناسب در پایگاه جامع اطلاعات علوم زمین که لازم است برای ماموریت جدید، تجدید سازماندهی شده و گسترش یابد، جمع‌آوری کرده و به نحو ساده و آسان در اختیار عموم قرار دهد.

۲ - سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران

وظیفه‌ی اصلی این سازمان، توسعه و نوسازی واحدهای معدنی و فرآوری کشور است که آن‌ها را آماده کرده و واحدها را به بخش خصوصی واگذار نماید. علیرغم عدم توفیق کامل در گذشته که همگان از کاستی‌ها

مهندس صادقی‌پناه: تخصیص یک بودجه‌ی پانزده میلیارد دلاری، بخش معدن و صنایع معدنی کشور را راه می‌اندازد، به این ترتیب قانون برنامه اجرا شده، به اهداف سند چشم‌انداز نزدیک می‌شویم و قطعاً در آینده‌ای نه چندان دور بخش معدن نه تنها می‌تواند معادل نفت و گاز تولید و درآمد داشته باشد، بلکه از ارقام معادل آن نیز پیشی خواهد گرفت

مطلع هستند، لازم است با جدیت کامل و برنامه‌ی زمانبندی مشخص و معین، هم در احداث زیرساخت‌ها و هم در واگذاری کلیه‌ی واحدهای تحت نظر خود به بخش خصوصی واقعی بر اساس مفاد قانون اصل ۴۴ فعالانه اقدام کند.

۳- شرکت‌های مهندسی مشاور و پیمانکاران بخش خصوصی برای کمک به سازمان زمین‌شناسی

خوشبختانه شرکت‌های تخصصی و مهندسی به تعداد کافی شکل گرفته و سال‌هاست که در کشور فعالیت می‌کنند؛ در گذشته هم نشان داده‌اند که پروژه‌های محوله را به اتمام رسانده‌اند. لیکن با شروع فعالیت‌ها در سطح وسیع، قطعاً نیاز به بازسازی داشته و لازم است کارشناسان و متخصصین را مجدداً جذب کنند و با استفاده از تسهیلات کم‌بهره که در اختیار آنان قرار می‌گیرد، تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود را تکمیل نمایند. اما به هر حال این توان بالقوه در کشور وجود دارد که می‌تواند اجرای فعالیت‌ها را در کلیه‌ی زمینه‌های اکتشاف، استخراج و فرآوری بر عهده گیرد.

۴- نیروی انسانی تحصیل کرده، استفاده از فناوری روز و آموزش

دنیا در بخش معدن و صنایع معدنی به تجهیزات و روش‌های جدیدی دست یافته که بهره‌گیری از این فناوری‌ها لازم است و باید در دستور کار قرار گیرد. خوشبختانه نیروی انسانی جوان و تحصیل کرده در زمینه‌های مختلف زمین‌شناسی و معدن به وفور وجود دارد که زمینه‌ی لازم را برای کار داشته و با آموزش مختصری در مورد روش‌ها و تجهیزات روز جهان، در کنار کارشناسان متخصص و با تجربه، این امر مهم را به سرانجام خواهند رساند.

۵ - استفاده از شرکت‌های معتبر معدنی خارجی

رونق بخش معدن بدون شک نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی دارد که در استراتژی بخش معدن به تفصیل مورد بررسی و تاکید قرار گرفته است. بر اساس قوانین موجود در کشور باید شرایط و بستر لازم برای ورود شرکت‌های معتبر معدنی خارجی فراهم شود تا با واردکردن سرمایه و تجربه‌ی خود بتوانند در کنار شرکت‌های خصوصی داخلی در کلیه‌ی زمینه‌های بخش معدن و صنایع معدنی کشور فعال شوند. در حقیقت باید شرایطی فراهم شود تا آن‌ها در یک معامله‌ی برد - برد سرمایه‌ی لازم را آورده و در شناسایی و اکتشاف مواد معدنی فعال شوند، طبعاً سود و سرمایه‌ی خود را هم به سادگی و قانونی ببرند و از طرفی تجربه و فناوری آن‌ها نیز به کارشناسان و شرکت‌های خصوصی داخلی، منتقل و نهادینه شود.

۶ - استراتژی بخش معدن و صنایع معدنی

در تدوین استراتژی معدن، مبانی و الزامات و به طور کلی بررسی‌های اولیه و تدوین اصول با دید کامل جوانب مختلف به خوبی انجام و حوزه‌های

هدف و راهکارها تنظیم شده است. اما به صورت انشایی و مفصل. به نظر من لازم است یک چکیده‌ی روشن و واضح از راهکارها از آن استخراج شود و هدف‌گیری‌ها با اعداد و ارقام قاطع و واضح قید گردد تا تکلیف همه روشن و مشخص باشد.

البته با توجه به این که اهداف و راهکارهای مورد نظر فعالان در حجم زیاد سطوح و صفحات آن وجود دارد، با تهیه‌ی یک چکیده از استراتژی و برنامه‌ریزی تفصیلی بر روی آن با تعیین عدد و رقم و هدف‌گیری‌های مشخص قابل استناد خواهد شد.

۷ - قانون معادن

بخش معدن کشور از دیرباز قانون داشته و آخرین اصلاحاتی هم که اخیراً بر روی قانون معادن مصوب سال ۷۷ انجام شده است. اگرچه به عقیده‌ی بسیاری از فعالان و دست‌اندرکاران، ایده‌آل نیست ولی در صورتی که آیین‌نامه‌ی اجرایی آن حساب شده، تنظیم شده باشد می‌تواند به عنوان یک مرجع، بخش معدن را پیش ببرد.

۸ - آیین‌نامه اجرایی قانون معادن

ظاهراً آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون معادن تدوین و در هیات دولت هم تصویب شده است ولی چون هنوز ابلاغ و به آگاهی عموم نرسیده، نمی‌توان در مورد آن قضاوت کرد. به نظر می‌رسد که در برخی موارد مهم، متأسفانه دست دولت را باز گذاشته به همین دلیل فعالان و دست‌اندرکاران بخش معدن نگران هستند که با توجه به کار سلیقه‌ای مدیران دولتی، در برخی مقاطع زمانی این مورد مشکل ساز شود.

امید است اگر آیین‌نامه‌ی اجرایی نیاز به اصلاحاتی داشته باشد، در دولت جدید رفع شود.

۹ - سازمان نظام مهندسی معدن

قانون معادن سال ۷۷، لزوم تشکیل سازمان نظام مهندسی معدن را به منظور نظم‌دهی و انسجام بخش زمین‌شناسی و معدن تا پایان حلقه‌ی فرآوری مواد معدنی و منظم کردن و قانونی کردن ارتباط بین مهندسان و فعالیت‌های معدنی، واحدها و نهادها، دیکته کرد. این سازمان در حدود یک دهه است که فعالیت می‌کند و قانون و آیین‌نامه‌ی خاصی دارد. باعث تأسف است که بگوییم این سازمان از عهده‌ی وظیفه خود برنیامده و ناکارآمدی در این سازمان کاملاً محسوس و مشهود است. حتی کسانی که در رابطه با این سازمان به ویژه در استان‌ها شرایطی برایشان فراهم شده تا به علت منافع شخصی در مقابل تغییرات، تحولات و اصلاح در سازمان مقاومت کنند، خود از وضعیت سازمان ناراضی‌اند و اصولاً کسی از فعالان و دست‌اندرکاران بخش معدن و زمین‌شناسی را ندیده‌ام که از وضعیت آن رضایت خاطر داشته باشد. به هر حال وجود سازمان نظام مهندسی معدن نیز یک نهاد لازم برای توسعه‌ی بخش معدن و صنایع معدنی کشور است و قطعاً برای ایجاد نظم و انسجام در بخش، الزامی است. لیکن مسئولین این سازمان باید اول داخل آن را نظم و

■ **مهندس صادقی‌پناه بر اساس قوانین موجود در کشور باید شرایط و بستر برای ورود شرکت‌های معتبر معدنی خارجی فراهم شود و در یک معامله‌ی برد-برد همکاری بخش خصوصی و داخلی شکل گیرد** ■

انسجام دهند که لازمه‌ی آن، این است که از سلیقه‌های فردی مدیران و تداوم نفع شخصی برخی اعضای ارکان آن، خلاصی یابد. باید قانون، آیین‌نامه‌های اجرایی و دستورالعمل‌ها و رویه‌ها جدا از منافع شخصی افراد و برخی رودربایستی‌ها بر اساس منطق و خرد جمعی، اصلاح شوند تا جایگاه واقعی خود را به دست آورده و این سازمان در عین حال که دولتی است، کاملاً جدا از دولت و با تفکیک کامل بین مدیران دولتی و مدیران سازمان، در همه‌ی استان‌ها فعالیت کند.

۱۰ - صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی

تشکیل صندوق به عنوان یک ابزار ضروری به درستی در قانون معادن سال ۷۷ دیده شد و هدف آن پوشش دادن بخشی از ریسک سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در فعالیت‌های معدنی بود. نه تنها جنبه‌ی انتفاعی نداشت، بلکه قرار بود سالانه مبالغ قابل توجهی در بودجه‌ی سالانه‌ی کشور برای صندوق پیش‌بینی و پرداخت شود تا خسارت‌های وارده به معدنکاران را بپردازد و قاعدتاً باید اکثریت معدنکاران را جذب می‌کرد؛ ولی متأسفانه در عمل به دلایل مختلفی به موفقیت پیش‌بینی شده، نرسید. اقلیتی از معدنکاران به سراغ صندوق رفته و بسیاری عطایش را به لقایش بخشیدند.

برخی از علل عدم موفقیت کامل صندوق عبارتند از:

- پروسه‌ی طولانی و پیچیده‌ی گردش پرونده و گذشتن از خان‌های مختلف، معطلی طولانی در سازمان استان از ارایه‌ی درخواست اولیه تا تایید و ارسال به مرکز در وزارتخانه و در صندوق که خود هفت‌خان بوده و دچار بوروکراسی شدید است.

- طرح تهیه شده توسط کارشناس ذیصلاح سازمان نظام مهندسی معدن نه مورد تایید کارشناس سازمان استان است و نه مورد تایید کارشناس صندوق. کارشناس سازمان استان چندین بار طرح را باز می‌گرداند تا اصلاحات مورد نظر او که از هیچ معیار و الگوی خاصی پیروی نمی‌کند، بر روی آن صورت گیرد. کارشناس صندوق هم هیچ‌کدام را قبول نداشته و نظر خود را ثبت و مبالغ مورد نظرش را تعیین می‌کند.

- سرمایه‌گذار و معدنکار که باید بخش عمده‌ی هزینه‌ها را از جیب خودش بپردازد، صلاح خودش را نمی‌داند! و کارشناس صندوق در بازدید خود از محدوده‌ی معدنی، اگر تشخیص دهد که نتیجه‌ی عملیات معدنکاری احتمالاً مثبت نیست، طرح را رد می‌کند!

- حتی گواهی امضای دفترخانه را هم قبول نداشته و مدیران دارای حق امضا حتماً باید جلوی چشم کارشناس صندوق، چک و سفته و قرارداد و را امضا کنند!

- البته صندوق هم متأسفانه مانند سایر ارگان‌های دولتی در دوره‌های کوتاه مدت دچار تغییر مدیریت شده و می‌شود؛ اکثراً منطبق بر سلیقه شخصی مدیر مربوطه اداره شده و دیدگاه‌های برخی مدیران که دید انتفاعی در صندوق داشته‌اند، در ساختار و دیدگاه‌ها سایه انداخته است.

- اخیراً هم با ادغام صندوق‌ها بنا بر مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی، معدنکاران بر حسب تجربه، آخرین امیدهای خود را هم از دست می‌دهند. زیرا هرکجا تسهیلات پیش‌بینی شده برای بخش معدن با سایر بخش‌ها به هم گره خورده، هیچ سهمی نصیب بخش معدن نشده است. و بسیاری موارد دیگر که نتیجه‌ی آن، این شده که به جای جذب اکثریت معدنکاران به صندوق، تنها اقلیتی را تحت پوشش قرار دهد.

با توجه به این که صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی یک نهاد صددرصد الزامی است، باید استقلال داشته باشد. نباید انتفاعی فکر کرده و لازم است به عقل و خرد معدنکار خصوصی که بخشی از سرمایه را خودش تامین می‌کند، اطمینان کند. در راستای فعالیت صندوق باید یک طرح برای هر فعالیت معدنکاری توسط دارنده‌ی پروانه‌ی اشتغال زیربند از سازمان نظام مهندسی معدن تهیه شود و اگر طرح اشکال دارد، طراح باید پاسخگو بوده و مشکلات آن را حل کند؛ نه اینکه هر ارگانی برای خود طرح جداگانه‌ای دیکته کند. تشکیل پرونده و استفاده از تسهیلات صندوق باید در چهارچوب یک برنامه‌ریزی اصولی و مهندسی به سادگی و سهولت انجام شود تا از این نهاد ضروری، بهره‌ی کامل حاصل شود.

۱۱ - برنامه تدوین ضوابط و معیارهای بخش معدن

برنامه‌ای درست و لازم است که خوشبختانه چندین جلد از ضوابط و معیارهای استاندارد عملیات معدنکاری در زمینه‌های مختلف را چاپ و منتشر کرده و باید حتماً تعقیب شود ولی در حال حاضر چندین مسئله گریبانگیر آن است که ابرتر شده:

- ضوابط منتشر شده در بسیاری موارد اصلاً رعایت و دیده نمی‌شود و حتی بسیاری از مسئولین که باید از آن‌ها استفاده کنند، خود حتی یک‌بار هم آن را مطالعه نکرده و یا اصلاً آن را ندیده‌اند. زیرا تدوین‌کنندگان و منتشرکنندگان تاکید و تصریح لازم را در رعایت آن از به عمل نیاورده‌اند. - تدوین ضوابط موجود باید در عمل مورد اصلاح و تجدید نظر قرار گیرد، ولی این تدوین ضوابط که به علت کندشدن فعالیت‌ها، عدم وجود بودجه و اعتبار لازم و این که حتی تدوین و چاپ عناوین باقیمانده که تعدادشان هم زیاد است، به تعویق افتاده چطور می‌تواند مورد اصلاح و تجدید نظر قرار گیرد!

این ابزار ضروری کند را باید تیز کرد و به کار برد تا تاثیر آن در بهبود فعالیت‌ها خود را نشان دهد.

۱۲ - سایر الزامات

مسائل مختلف دیگری از قبیل همکاری نزدیک با سایر سازمان‌های ذیربط مانند منابع طبیعی، محیط زیست و غیره نیز مهم است؛ به صورتی که با تدوین ضوابط، معدنکاری با دید توسعه‌ی پایدار صورت گیرد. البته اخیراً در این زمینه توافقنامه‌هایی تدوین و امضا شده که این همکاری

■ **مهندس صادقی‌پناه: باید یک چکیده‌ی روشن و واضح از راهکارها از متن استراتژی بخش معدن و صنایع معدنی استخراج شود و هدف‌گیری‌ها با اعداد و ارقام قاطع و واضح قید شود که تکلیف همه روشن و مشخص باشد**

■

باید توسعه یابد. همچنین توسعه‌ی ناوگان حمل و نقل کشور که اکنون نیز کمبودهایی دارد قطعاً با افزایش تولید و بهره‌برداری از معادن بیشتر، نیاز به توسعه‌ی جدی با برنامه‌ریزی کامل دارد.

۱۳ - تشکلهای و لزوم هماهنگی بین تشکلهای

خوشبختانه تشکلهای کافی در بخش معدن و صنایع معدنی در کشور داریم که فعال هستند و می‌توانند در تصمیم‌سازی به صورت قابل توجهی به تصمیم‌گیران کمک کنند و این طبیعی است که نظرات متفاوت و پراکنده‌ای در بین آن‌ها وجود دارد. تصمیم‌گیران باید حتماً از تشکلهای استفاده کنند و به آن‌ها فرصت دهند که از دیدگاه‌های مختلف، مسائل را بررسی کرده و با استفاده از قشرهای مختلف کارشناسان، متخصصین، دست‌اندرکاران و خردجمعی در کلیه‌ی قوانین، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها، ساختارها، تشکیلات و غیره اظهار نظر کنند. تشکلهای نیز نیاز به همکاری و هماهنگی دارند و خود به این نتیجه رسیده‌اند که ضمن فعالیت اختصاصی خود در زمینه‌های مشترک و مهم بخش معدن لازم است با همفکری و هماهنگی، برآیند فعالیت‌ها را تقویت کنند. در این زمینه اتاق فکر تشکلهای و فعالان بخش معدن تشکیل شده که قطعاً با همکاری و مشارکت تمامی تشکلهای و صاحب‌نظران، از تفرق نظرات و اقدامات جلوگیری شده و اثر بخشی و کارایی تک‌تک و جمع تشکلهای بیشتر و بهتر خواهد شد.

◀ یکی از مهم‌ترین ابزارهای رشد و توسعه‌ی یک سرزمین، استفاده از منابع و ذخایر معدنی آن است

مهندس حسین عباس‌نیا؛ رییس سازمان نظام مهندسی استان خراسان رضوی با اشاره به این که در حوزه‌ی منابع خدادادی پس از انسان‌ها، منابع معدنی ارزشمندترین داشته‌های یک سرزمین هستند، گفت: انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر مبانی دینی و انسانی، بستر لازم برای رشد انسان فرهیخته و در نهایت جامعه‌ی متعالی را فراهم کرده است.

یکی از مهم‌ترین ابزارهای رشد و توسعه‌ی یک سرزمین، استفاده از منابع و ذخایر معدنی آن است، نفت و سایر مواد معدنی ارزش ذاتی بسیار بالایی دارند، بنابراین اهمیت عناصری همچون مس، آهن، آلومینیم، طلا، نقره، آنتیموان و ... از نفت هم بیشتر است زیرا:

- ۱- تنوع کاربرد مواد معدنی نسبت به نفت بیشتر است.
- ۲- زنجیره‌ی تولید و فرآوری مواد معدنی طولانی‌تر است.
- ۳- ارزش افزوده در سیر تولید مواد معدنی بالاتر است.
- ۴- اشتغال در مراحل مختلف تولید و فرآوری مواد معدنی بیشتر است.
- ۵- به دلیل پراکندگی معادن در سطح کشور، توسعه‌ی متوازن مناطق فراگیرتر است.
- ۶- به دلیل کمبود مواد معدنی در دنیا، بخش بازرگانی مواد معدنی و محصولات تولیدی غیر قابل تحریم است.



۷- به دلیل نیاز به دانش و تکنولوژی خاص برای هر نوع ماده معدنی، توسعه صنعتی کشور اجتناب ناپذیر است. و البته شاخص‌های بیشتری هم قابل طرح هستند که می‌توانند جایگاه بخش معدن را در توسعه کشور تبیین نمایند. او چالش‌های موجود در بخش معادن کشور را به شرح زیر عنوان کرد:

۱- اکتشافات معدنی به صورت علمی و عمقی انجام نشده، در صورتی که شواهد زمین‌شناسی نشان می‌دهند سرزمین ایران دارای ذخایر معدنی بزرگی است.

۲- استخراج سنتی و ماشین‌آلات فرسوده، بهره‌وری معادن را کاهش داده است.

۳- صنایع معدنی کشور متناسب با تنوع و میزان ذخایر موجود ایجاد نشده‌اند، به نحوی که بخش عمده‌ای از مواد معدنی به صورت خام صادر می‌شوند.

۴- زنجیره‌ی صنایع پایین‌دستی تکمیل نشده و صنایع موجود نیز نیازمند مواد اولیه‌ی وارداتی هستند.

مهندس عباس‌نیا همچنین در مورد فرصت‌های این بخش اضافه کرد:

۱- به لحاظ موقعیت خاص زمین‌شناسی سرزمین ایران، تعدد، تنوع و بزرگی ذخایر معدنی محتمل است، از طرفی وجود ثروت حاصل از نفت، امکان اکتشاف عملی ذخایر مذکور را توسط دولت فراهم می‌نماید.

۲- معدنکاری در ایران بیش از ۸ هزار سال قدمت دارد. لذا فرهنگ معدنی کشور غنی است، از طرفی وجود نیروهای متخصص جوان، فرصتی بی‌بدیل برای استخراج و بهره‌برداری از معادن است.

۳- توسعه‌ی صنعتی کشور، فرصت نیاز به صنایع معدنی، به عنوان صنایع مادر را فراهم آورده و اغلب استان‌ها و حتی شهرستان‌های کشور، مستعد تاسیس کارخانه‌های فرآوری مواد معدنی هستند. او راهکارها و پیشنهادهای خود را به دولت جدید به شرح زیر ارایه کرد:

۱- منابع معدنی جزء اموال عمومی و انفال هستند و برنامه‌ریزی برای اکتشاف و شناسایی ارزش واقعی آن‌ها بدون شک جزء امور حاکمیتی و از وظایف دولت است؛ مدیریت بر اکتشافات فنی و علمی توسط دولت امری اجتناب ناپذیر است. لذا سرمایه‌گذاری دولتی برای اکتشاف ذخایر معدنی (مشابه نفت) تنها راه حفظ این ثروت ارزشمند است.

۲- تصمیم‌گیری برای واگذاری ذخایر کشف شده به منظور بهره‌برداری از مواد معدنی جزء امور حاکمیتی است. بنابراین عملیات استخراج، کانه‌آرایی و فرآوری جزء امور غیر حاکمیتی هستند که توسط بخش خصوصی انجام می‌شوند. لذا واگذاری معادن پس از اکتشاف موجب کاهش تصدی‌گری دولت خواهد شد.

۳- بیشترین ارزش افزوده، تولید ثروت، افزایش اشتغال و توسعه‌ی

صنعتی از طریق ایجاد صنایع معدنی و صنایع زیردستی امکان‌پذیر است. لذا برنامه‌ریزی لازم برای تاسیس صنایع مذکور در کلیه‌ی استان‌ها اصلی‌ترین راهکار توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی کشور است.

◀ از دولت آینده انتظار داریم که جایگاهی درخور معدن به آن داده و وزارت معادن، زمین‌شناسی و صنایع معدنی ایجاد نماید

مهندس بهرام اجاقی؛ از مدیران شرکت‌های گروه زر می‌گوید: به نظر اینجانب مطالبات معدن و صنایع معدنی از دولت آینده را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- اجرای قانون به صورت شفاف و بدون در نظر گرفتن صلاحیت‌های مقطعی: در این که قانون معادن نیاز به بازنگری دارد، شکی نیست. همه می‌دانند که بدترین قانون از بی‌قانونی بهتر است. سرمایه‌گذاری در معدن، سرمایه‌گذاری با ریسک بالا و زمان‌بر است، صدور بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های یک شبه و بدون در نظر گرفتن زمان اجرایی آن، صدمات جبران ناپذیری به بخش معدن وارد می‌کند. وضع عوارض صادرات روی سنگ‌های تزئینی و سنگ آهن، نمونه‌ی این اقدامات است که باعث فرار سرمایه‌گذار و بالا رفتن تصنیعی ریسک سرمایه‌گذاری در معدن می‌شود.

- صدور آیین‌نامه‌ی زون‌بندی محدوده‌های اکتشافی و عدم قبول درخواست برای اخذ پروانه‌ی اکتشاف در سال جاری از دیگر موارد نقض صریح قانون می‌باشد که جاری شده است. با این تصمیمات بدون مقدمه و بدون اعلان از قبل، چگونه امکان دارد که سرمایه‌گذاران بخش معدن و اکتشاف، سرمایه‌ی خود را در این بخش صرف کنند!

- از دولت آینده انتظار داریم که در اولین فرصت، بخشنامه‌های خلاف قانون را ملغی نموده و نسبت به فراهم نمودن بسترهای لازم برای سرمایه‌گذاری در بخش معدن اقدامی عاجل نماید. لازم است تمام قوانین و مقررات بخش معدن با دقت تدوین و ابلاغ شود تا پرنده‌ی نازک‌نارنجی سرمایه با میل و رغبت روی درخت پر از خار و زمخت معدن لانه بسازد.

- سردرگمی ارگان‌های دولتی در خصوص معدن ساماندهی شود. در سطوح بالا، متولیان ارگان‌های معدن، منابع طبیعی، محیط زیست، جهاد کشاورزی و ... جلسات مستمر داشته باشند و کلیه‌ی قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های زیر مجموعه‌ی خود را در ارتباط با معدن مرور نموده و کلیه‌ی موارد متناقض را مشخص کرده و اصلاح نمایند. به طوری که معدنکار سردرگم نبوده و از همان ابتدا بداند در مسیری که قدم گذاشته است، چه موانعی وجود خواهد داشت. به این ترتیب می‌تواند برای رفع موانع از ابتدای سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی نماید و در صورتی که موانع قابل رفع کردن باشند، سرمایه‌گذاری را قبل از آن که زیان زیادی متقبل



شود؛ متوقف نماید. در حال حاضر برای راه‌اندازی معدن، مشکلات و موانع دولتی و مردمی متعددی وجود دارد که سرمایه‌گذار قادر به پیش‌بینی آن‌ها نیست و پس از سرمایه‌گذاری کلان، متوجه آن‌ها می‌شود، و چه بسا که دیگر کاری برای ادامه از او ساخته نیست و کلیه سرمایه خود را از دست بدهد.

از دولت آینده انتظار بازنگری در قوانین، بخشنامه‌ها، مقررات، آیین‌نامه‌ها و ... ارگان‌های مرتبط با معدن را داشته و خواستار اصلاح و هماهنگی آن‌ها هستیم. به این ترتیب سرمایه‌گذار از ابتدای مسیر، کلیه موانع و مشکلات راه را پیش‌بینی نموده و برای هر یک برنامه‌ای تدوین می‌کند.

ایران کشوری با پتانسیل معدنی بالا است، با توجه به میزان بارش سالانه، حتی کشاورزی نیز به اندازه‌ی معدن اهمیت ندارد. بنابراین بخش معدن از اهمیت بالایی از نظر درآمدزایی، اشتغال، رفع محرومیت و ... برخوردار است. شایسته نیست که بخشی به این

مهمی، وزارتخانه‌ی مستقل نداشته باشد. آن هم جایی که بخش‌های بسیار کم‌اهمیت‌تر از معدن، در قالب وزارتخانه اداره می‌شوند.

معدن بدون توجه به وضعیت اجتماعی مردم و بنا به موقعیت زمین‌شناسی واحدهای سنگی، میلیون‌ها سال پیش ایجاد شده‌اند. برای راه‌اندازی و فعالیت در معدن، معدنکار و سرمایه‌گذار مجبور است که به معدن و منطقه‌ی معدنی عزمیت کند. اغلب معدن در مناطق دور افتاده، صعب‌العبور و با تراکم جمعیتی کم قرار گرفته‌اند. برای بهره‌برداری از معدن، سرمایه‌گذار و معدنکار مجبور است که تکنولوژی و زیرساخت‌ها را به معدن منتقل نماید. به همین دلیل بسیاری از مناطق محروم کشور که دارای پتانسیل معدنی هستند،

آباد شده و مردم محلی آموزش‌های لازم برای کار در معدن را فرا گرفته‌اند. به این ترتیب، می‌بینیم که معدن عامل مهمی در ایجاد زیرساخت، آبادانی، آموزش و اشتغال در بسیاری از مناطق محروم شده است.

در رسیدن به اقتصاد بدون نفت، معدن یکی از مهم‌ترین فاکتورها است. اگر به آمار چند سال گذشته رجوع کنیم؛ می‌بینیم که صادرات مواد معدنی و محصولات آن، بخش مهمی از درآمد ارزی کشور را تشکیل داده است. این امر می‌تواند به مسئولین نشان دهد که طی دهه‌ی اخیر معدن مورد بی‌مهری قرار گرفته در صورتی که جا دارد در دولت، جایگاه شایسته‌ای داشته باشد که همانا ایجاد «وزارت معادن، زمین‌شناسی و صنایع معدنی» اقدامی در این راستاست.

از دولت آینده انتظار داریم که جایگاهی را درخور معدن به آن داده و وزارت معادن، زمین‌شناسی و صنایع معدنی ایجاد نماید.

◀ تغییرات زمان بر هستند

- مهندس کامران وکیل؛ دبیر اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان محصولات معدنی می‌گوید: اولین اقدام رییس‌جمهور دولت جدید (چنانچه قصد اصلاح امور را داشته باشد) به پیشنهاد بنده می‌تواند به شرح زیر باشد:
- ۱- توقف روند بی‌نتیجه‌ی مذاکرات هسته‌ای و رسیدن به توافق با کشورهای مطرح در دنیا
 - ۲- احیای مجدد نظام برنامه‌ریزی کشور در قالب سازمانی فراگیر، متشکل از نخبگان کشور و فعالان واقعی بخش خصوصی
 - ۳- تدوین برنامه‌های عملی و اجرایی برای هر بخش از اقتصاد کشور و جلوگیری از تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های خلق‌الساعه و فاقد مبنای کارشناسی
 - ۴- در دستور کار قرار دادن شایسته‌سالاری و

مهندس اجاقی؛ از دولت آینده انتظار بازنگری در قوانین، بخشنامه‌ها، مقررات، آیین‌نامه‌ها و ... ارگان‌های مرتبط با معدن را داشته و خواستار اصلاح و هماهنگی آن‌ها هستیم. به این ترتیب سرمایه‌گذار از ابتدای مسیر، کلیه موانع و مشکلات راه را پیش‌بینی نموده و برای هر یک برنامه‌ای تدوین می‌کند



رانت، ثروت‌اندوزی غیر متعارف، نگاه متفاوت در اجرای قانون، چندگانگی در عملکرد یک قانون و گشتن به دنبال فضای رشوه‌خواری برای رفع مشکلات ایجاد شده است.

دربخش معدن دستگاه‌های نظارتی به خوبی عمل نکرده‌اند، علت این امر را می‌تواند در اختیار نداشتن نیروی انسانی و کارشناسی زبده، عدم آموزش و تربیت کارشناسان و افراد مرتبط، جناحی بودن در امر نظارت، نبود فضای مناسب نظارتی و دستورالعمل دقیق نظارتی دانست. نکته‌ی قابل توجه این است که حراست اداره‌ها جایگزین امر نظارتی شده‌اند که به دلیل عدم آگاهی علمی و عملی این افراد ضررهای زیادی به بخش وارد شده است.

– آموزش و بهره‌گیری از کارشناسان زبده در تدوین و اجرای قوانین: یکی از مشکلات بزرگ در عملکرد دولتمردان قبلی استفاده از افراد شناخته‌شده‌ی خود بوده و فقط کافی است که دارای مدارک تحصیلی مرتبط یا حتی غیر مرتبط باشند. به این ترتیب مابقی افراد در آن دوره کنار گذاشته می‌شوند. به دلایل ذکر شده از نیروهای متخصص و زبده در دولت‌های مختلف به طور کامل استفاده نمی‌شود، از طرفی آموزش مدون و با استراتژی بلند مدت نیز در هیچ دولتی دیده نشده و با فرار مغزهایی که در ایران و یا خارج از کشور آموزش دیده‌اند این فرآیند همیشه دچار نقصان بوده است (منظور کارشناسانی هستند که در دولت کار می‌کرده و قبل از پایان دوره‌ی فعالیت خود به هر دلیلی از دولت خارج شده‌اند). بنابراین در تدوین صحیح قوانین همیشه بخشی از زبده‌گان و متخصصین حضور ندارند.

تا اینجا بنده سه مورد را بیان کردم و به تقریب مطالب گفته شده شکل انتقادگونه دارد و دستی از دور بر آتش داشتن است. در راستای این مطالب پیشنهادهایی ارایه خواهم کرد؛ این پیشنهادها باید بخشی به صورت استراتژی

خودداری از سپردن مسئولیت‌های کلیدی و اثرگذار به افراد کم‌سواد و بی‌اطلاع

۵- تثبیت نرخ ارز و حرکت در جهت تک‌نرخ کردن ارز بر مبنای نرخ واقعی بازار آزاد، نه نرخ‌های تخیلی همانند نرخ مرجع یا نرخ اتاق مبادلات

۶- تسهیل روند بوروکراتیک فعالیت‌های اقتصادی و تخصیص منابع مالی و تسهیلات به فعالان اقتصادی

بدیهی است در صورت اقدام، کل سال ۱۳۹۲ صرف موارد فوق خواهد شد و احتمالاً از ابتدای سال ۱۳۹۳ اثر تغییرات محسوس خواهد بود.

◀ نگاه نظارتی یک نگاه عادلانه بر امور قوانین است

دکتر سید احمد مشکانی؛ متخصص کارشناسی در امور معادن و فعالیت‌های معدنی در ارتباط با انتظارات و پیشنهادات خود از دولت آینده در خصوص اکتشاف، استخراج، فرآوری و بازرگانی مواد معدنی می‌گوید: در ابتدا باید توجه کرد که دولتمردان می‌آیند و می‌روند و این قوانین هستند که باقی می‌مانند، بنابراین تدوین و اجرای قوانین درست از ضعف‌های کلی دولتمردان قبلی در این چند دهه بوده است. من از همین موضوع استفاده کرده و نظرات خود را به شرح زیر عنوان می‌کنم:

– تغییرات کمتر در قوانین معدن: چند سالی است که بر روی قوانین معادن کارهای کارشناسی توسط افراد خاص، به صورت شورایی و علمی صورت گرفته و هنوز در حال مطالعه و بررسی است؛ قوانین غیر کارشناسی و برگرفته از نظرات شخصی که به صورت شورایی تایید شده‌اند، باعث شده تا هر روز و در طی مدت زمان‌های کوتاه دستخوش تغییرات باشند. بنابراین این قوانین از زمان ابلاغ و آموزش تا اجرای صحیح، مشکلات فراوانی را ایجاد می‌کنند.

این مشکلات باعث ایجاد فضای رانت (به دلیل عدم آگاهی برخی دست‌اندرکاران و عدم اجرای صحیح قانون) شده است. ایجاد فضای نادرست در ارتباط با سرمایه‌گذاری در بخش معدن، عدم آشنایی دیگر ارگان‌های مرتبط با بخش معدن از قبیل سازمان‌های محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، نیروی انتظامی، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و ... که هر کدام می‌توانند موانعی را ایجاد نمایند، به خاطر عدم آگاهی به قوانین و اجرای آن است. نکته‌ی قابل تعمق در اینجاست که قوانین جدید در بخش‌هایی، ضعیف‌تر و غیر کارشناسانه‌تر از قوانین قبلی بوده و این امر به دلیل نبود فضایی برای انتقاد در این حوزه است.

– نظارت بر اجرای قوانین: نگاه نظارتی یک نگاه عادلانه بر امور قوانین است، ما در این چند دهه یا نظارت مناسب نداشته‌ایم و یا اگر نظارتی صورت گرفته باتوجه به حضور افراد مختلف و احزاب تغییر کرده است. بنابراین به خاطر عدم نظارت دقیق بر امور معادن، فضاها نامناسب

دکتر مشکانی؛ قوانین غیر کارشناسی و برگرفته از نظرات شخصی که به صورت شورایی تایید شده‌اند، باعث شده تا هر روز و در طی مدت زمان‌های کوتاه دستخوش تغییرات باشند. بنابراین این قوانین از زمان ابلاغ و آموزش تا اجرای صحیح، مشکلات فراوانی را ایجاد می‌کنند

کوتاه‌مدت و بخشی دیگر به صورت بلندمدت تدوین و اجرایی شوند:

- پیشنهادهای کوتاه مدت

به مشکلاتی که در این مدت پیش آمده باید در اسرع وقت رسیدگی شود تا به اجرای قانونی درآیند که به شرح زیر است:

- قوانین مزایده‌های معدنی با یک تیم متخصص قوی، بازنگری و براساس معیارهای قانونی تدوین شوند. تا به حال سه بار این قوانین تغییر کرده که در هر بار رانت‌های مختلفی ایجاد شده و برای توضیح آن‌ها ساعت‌ها وقت نیاز است.

- مسئله‌ی قوانین منابع طبیعی و محیط زیست و مرز آن‌ها با معادن مشخص شود. این موضوع هم‌اکنون نیز در حال پیگیری و اجراست ولیکن نقاط ضعف زیادی وجود دارد؛ تعامل خاصی در این زمینه به وجود نیامده و معدن‌داران و مکتشفین سر در گم هستند. برای این موضوع باید از افراد متخصص در هر ارگان استفاده نمود؛ که البته تنها به صورت نمادین انجام شده و هنوز راه زیادی تا اجرایی شدن دارد.

- برداشتن قانون پهنه‌بندی و عدم ثبت و مزایده‌ی محدوده‌های معدنی. - قوانینی محکم و قابل اجرا برای معارضین بومی، محلی و افراد شرور که مسبب توقف امور اجرایی اکتشافی و استخراجی می‌شوند، تهیه گردد. در این دهه‌ی اخیر افراد بومی به راحتی به خود اجازه می‌دهند جلوی عملیات اکتشافی و معدنی را گرفته و از آن‌ها اخاذی و اعاده‌ی سهم کنند.

- ایجاد تسهیلات برای معدنکاران با توجه به تحریم‌های کنونی و قیمت بالای وسایل معدنی، سوخت، حقوق دولتی و ... که تمامی این موارد باعث دلسردی در سرمایه‌گذاری بخش معدن می‌شود. به عنوان مثال اگر قیمت دلار پایین بیاید اکثر معادن ایران کم سود ده یا متضرر می‌شوند.

- ایجاد کانون‌ها و سندیکاهای معدنی واقعی در بخش معدن، هم به صورت محلی و هم به صورت ناحیه‌ای و ایجاد پایگاه‌های تخصصی در رشته‌ی اکتشاف، استخراج، فرآوری و بازرگانی و ایجاد دفتر ارتباط وزیر آینده با نماینده‌ی معدن‌داران و تشکیل جلسات حداقل یک بار در هفته.

- ایجاد بانک‌های اطلاعاتی به منظور استفاده‌ی کارشناسان، متخصصین و معدنکاران به صورت رایگان و آنلاین و همایش‌های بین‌المللی و داخلی که باعث ارتقای علمی و آشنایی با علوم و فنون جدید و آشنایی جهانیان با منابع معدنی ایران می‌شود.

- پیشنهادهای بلند مدت

- بازنگری قوانین معدن با یک کارگروه متخصص از دولت و بخش خصوصی و با تعامل دو طرفه.

- ایجاد سایت محدوده‌های معدنی در تمامی استان‌ها به صورت آنلاین (این قانون وجود دارد ولی فقط در بعضی استان‌ها اجرا می‌شود) و اطلاع‌رسانی دقیق فعالیت‌های معدنی بدون مبالغه.

- تدوین آیین‌نامه‌های صحیح و بلندمدت برای جلب سرمایه‌گذاری در بخش معدن که بتوان سرمایه‌گذاران را به این موضوع ترغیب کرد.

- آموزش افراد زبده به صورت تخصصی در ارتباط با فرآیندهای معدنی و الگوبرداری از کشورهای موفق در این حوزه، فراخوان تمامی نخبگان

ایرانی و خارجی به صورت کوتاه‌مدت و بلندمدت برای آموزش و انتقال تکنولوژی.

- ایجاد بانک‌های خصوصی صرفاً معدنی.

- آزادسازی محدوده‌های ثبتی که بخش‌های دولتی انجام داده‌اند ولیکن هیچگونه عملیات اکتشافی یا معدنی در آن‌ها صورت نمی‌گیرد، همچنین ایجاد قوانینی که ارگان‌های دولتی محدوده‌های معدنی را به طور بلندمدت بلوکه نکنند.

◀ یکی از موارد آسیب‌رسان به حوزه‌ی مدیریت ستادی معدن و

صنایع معدنی، ادغام‌های پی‌درپی است

مهندس آیدین زینال زاده؛ کارشناس دفتر امور اکتشاف معاونت امور معادن و صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت در مورد موانع، مشکلات و چالش‌های موجود در بخش معدن کشور می‌گوید: به نظر بنده یکی از موارد آسیب‌رسان به حوزه‌ی مدیریت ستادی معدن و صنایع معدنی، ادغام‌های پی‌درپی از زمان وزارت معادن و فلزات تا به امروز است. پس از ادغام وزارت معادن و فلزات با وزارتخانه‌های صنعتی و تشکیل وزارت صنایع و معادن (که تا آخرین روزهای عمر خود، وزارت صنایع خوانده می‌شد)، متولی بخش معدن کشور از یک وزارتخانه‌ی مستقل و فعال به یک معاونت در وزارت صنایع و معادن تبدیل و به همین نسبت کوچک شد. درحالی که حجم فعالیت آن نه تنها کاسته نشد، بلکه روز به روز به دلیل رونق فعالیت‌های معدنی و اکتشافی، افزایش هم یافت. خواه ناخواه به واسطه‌ی ماهیت شناخته‌شده‌ی بخش صنعت و همچنین ماهیت شناخته‌نشده‌ی بخش معدن، معاونت امور معادن و صنایع معدنی در وزارت تازه تشکیل شده‌ی صنایع و معادن به حاشیه رانده شد. ادغام جدید و تشکیل وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز چه در ستاد وزارت و چه در سازمان‌های استانی مجدداً به حاشیه‌نشینی این معاونت دامن زد. اگرچه با تلاش‌های فراوان معاون محترم امور معادن و صنایع معدنی و مدیران این معاونت، اعضای محترم کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی و خانه معدن تا حد بسیار زیادی جایگاه و شان معاونت مذکور در وزارت متبوع حفظ شد؛ اما از آنجا که همانند ادغام قبلی، مسئولیت معاونت‌های غیرتخصصی و پشتیبانی‌کننده‌ی معاونت‌های تخصصی در وزارت و سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت ۳۱ استان به دست همکاران جدید وزارت بازرگانی سابق سپرده شد، تا مدتی و بعضاً هنوز دچار مشکلاتی بوده و هستیم که طبیعتاً این مشکلات ناشی از ناشناخته بودن ماهیت فعالیت، وظایف و جنس کار معاونت امور معادن بوده است.

اجازه می‌خواهم از صحبت‌های جناب آقای مهندس کشاورز؛ مدیرکل محترم دفتر امور اکتشاف وزارتخانه نقل قول کنم که در شماره‌ی ۳۶ ماهنامه توسعه معادن به چاپ رسیده است؛ طبق گفته‌ی ایشان اکتشاف بسیاری از معادن بزرگ امروز، به قبل از سال ۱۳۵۰ برمی‌گردد. از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۵ به دلیل رویدادهای بزرگی چون انقلاب، جنگ و پس از آن بازسازی و جبران خسارات جنگ تحمیلی، وقفه‌ای در انجام فعالیت‌های معدنی



بخش عمده‌ای از اقتصاد غیرنفتی امروز ایران را تحت تاثیر منفی قرار داده و اینجاست که باید یادآوری کنم قرار بود نام وزارتخانه‌ی جدید، «صنعت و تجارت» انتخاب شود!!!

او در ادامه اظهار داشت: اما وجه دیگر این است که بخش معدن کشور دارنده‌ی قانون مصوب مجلس شورای اسلامی است و جزء معاونت‌های تخصصی انگشت‌شمار در میان وزارتخانه‌های کشور است که شرایط مشابهی دارند. ارتباطی که معاونت امور معادن و صنایع معدنی با کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی دارد، مثال‌زدنی است. دلیل این امر، ارتباط نیروهای متخصص از دو قوه‌ی مقننه و مجریه با یکدیگر بوده که به دلیل درک متقابل از موضوعات و مفاهیم، صحبت با زبان مشترکی به نام معدن، هم‌سویی دغدغه‌ها، تمرکز بر رفع موانع و ایجاد شرایط تعالی و پیشرفت ضمن تشکیل یک اتاق فکر شیشه‌ای، باعث همکاری راهبردی به شکل همفکری و هم‌پوشانی شده است.

اینجاست که باید به گفته‌ی جناب آقای دکتر رحمانی؛ رییس محترم کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی، در دیدار نوروزی خانه معدن ایران (۱۳۹۲) اشاره کنم که فرمودند:

«... ظرفیت معدنی کشور ما نیز به قدری هست که روزی حتی یک وزارتخانه هم به طور مستقل داشته باشد...»
مهندس زینال‌زاده در بخش دیگری از سخنانش، پیشنهاد خود را به دولت جدید مطابق موارد زیر اعلام کرد:

- ۱- بازبینی و بازنگری جدی ادغام وزارتخانه‌های کلیدی صنایع و معادن و بازرگانی سابق با محوریت معدن.
- ۲- تامین امنیت شغلی و ایجاد انگیزه‌ی کارمندان شاغل در بخش معدن ستاد وزارت و سازمان‌های ۳۱ استان جهت افزایش بهره‌وری.

خصوصاً اکتشاف در کشور ایجاد شد. به تصور بنده شاید یکی از دلایل تصمیم به ادغام وزارت معادن و فلزات با وزارتخانه‌های صنعتی، همین وقفه‌ی ناخواسته در زمینه‌ی اکتشاف بوده است.

متولی بخش معدن کشور به دلیل ادغام‌های ذکر شده، علیرغم تلاش‌های انجام گرفته همچنان مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد؛ این موضوع اول از همه دامنگیر بدنه‌ی کارشناسی ستاد وزارت و سازمان‌های استانی می‌شود. به دلیل عدم ثبات در وضعیت استخدامی بخش قابل توجهی از کارمندان و کارشناسان، عدم امکان فعالیت در زمینه‌ی تخصصی در کنار خدمت در بدنه‌ی دولت، همچنین عدم تامین مالی در مقابل این ممانعت قانونی و عدم تخصیص حق فنی، پایین بودن نرخ ماموریت‌های صحرائی و پرداخت نشدن به موقع آن خصوصاً در سال‌های اخیر و سایر مشکلات صنفی کارمندان، علیرغم تلاش معاون محترم امور معادن، صنایع معدنی و مدیران تا رسیدن به وضع مطلوب (در مقایسه با وزارتخانه‌های تخصصی یا وزارتخانه‌های دارای معاونت تخصصی و درآمد) فاصله‌ی بسیار زیادی داریم. اما با وجود تمام این مشکلات، کارمندان بخش معدن در سراسر کشور فارغ از مشکلات موجود و درگیری‌های سیاسی و غیرسیاسی با تلاش و صرف انرژی تا حد توان، نسبت به انجام امور محوله تا حدی اهتمام ورزیده‌اند که قابل توصیف نیست، بلکه فقط و فقط با حضور در کنار این متخصصین در ماموریت‌های محوله، ملموس خواهد بود.

به دلیل همین ادغام‌ها، متولی بخش معدن کشور با قرار گرفتن در سایه‌ی بخش‌های صنعت و تجارت، مغفول مانده و مجالی برای سیاستگذاری صفر تا صد، برنامه‌ریزی و نظارت بر پیاده‌سازی زنجیره‌های منطقی تولید برخی محصولات استراتژیک از پی‌جویی و اکتشاف تا فرآوری و صنایع بالادستی

مواد معدنی فلزی و غیرفلزی باقی نمانده، بنابراین نباید زمان و انرژی در پی توضیح، توجیه و پیاده‌سازی تصمیمات و سیاستگذاری‌های مقطعی، صرف شود. عمده دلایل چنین مشکلاتی به اولین قدم، یعنی اکتشاف برمی‌گردد. وجود قوانین و مقررات دقیق لازم‌الاجرا که بعضاً هم دارای بار حقوقی و هم وجوه فنی و مهندسی هستند از یک سو، و از سوی دیگر مشکلات اجرای عملیات اکتشاف از جمله ممانعت‌های محلی، مخالفت ارگان‌هایی چون منابع طبیعی و محیط زیست و اخذ جریمه‌های سنگین پیش از آغاز عملیات اکتشاف از مکتشفین، عدم اطلاع و تخصص مکتشفین از قوانین و مقررات و همچنین مسائل تخصصی و فنی مهندسی اکتشاف معدن، محدودیت‌های آب و هوایی و کوتاه بودن فصل کاری، قیمت بالای حامل‌های انرژی (عمدتاً گازوئیل) پس از اجرای هدفمندی یارانه‌ها و مشکلاتی از این دست، همچنین عدم تخصیص بودجه‌ی مکفی در حوزه‌ی اکتشاف و تولید اطلاعات پایه توسط سازمان زمین‌شناسی، نه تنها معدن بلکه صنعت و در واقع

مهندس زینال زاده؛ به دلیل ادغام‌ها، متولی بخش معدن کشور با قرار گرفتن در سایه‌ی بخش‌های صنعت و تجارت، مغفول مانده و مجالی برای سیاستگذاری صفر تا صد، برنامه‌ریزی و نظارت بر پیاده‌سازی زنجیره‌های منطقی تولید برخی محصولات استراتژیک از پی‌جویی و اکتشاف تا فرآوری و صنایع بالادستی مواد معدنی فلزی و غیرفلزی باقی نمانده، بنابراین نباید زمان و انرژی در پی توضیح، توجیه و پیاده‌سازی تصمیمات و سیاستگذاری‌های مقطعی، صرف شود



قرار دارند که به واسطه‌ی نیاز بازار تولید از رشد بسیار خوبی برخوردار شده‌اند. بنابراین عدم توازن قوانین و ناظرین آن از یک طرف و از طرف دیگر رشد و بالندگی بخش خصوصی به عنوان مجریان کار، باعث شده که فضای کسب و کار معدنکاری با اتلاف انرژی بسیار زیاد و گاهی توقف بسیاری از کارها و امور انجام گیرد. به طور مثال اخیراً وزارتخانه اقدام به جایگزینی طرح بسیار خوبی به نام زون‌بندی استان‌های کشور و طرح‌ریزی اکتشاف بر اساس زون‌های متالوژنی کرده است. صحبت اینجاست که طرح و ایده بسیار خوب و مطابق با تجارب دیگر کشورها است ولی استعلام این زون‌بندی از سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت که عمدتاً کارشناسان ستادی در آن مشغول به فعالیت هستند، کاری اشتباه بوده که ممکن است منجر به اتلاف وقت و انرژی بسیاری شود. پهنه‌بندی زون‌های متالوژنی فعالیتی است بسیار مفید و حرفه‌ای و از متالوژیست‌های معتبری برمی‌آید، که دارای تجارب اکتشافی خوبی هستند. این تنها یک مثال است که از ایده و برنامه‌ریزی اولیه‌ی خوبی برخوردار بوده و می‌تواند منجر به ایجاد قانونمندی خوبی در فضای اکتشافی کشور شود، ولی در اجرا با مشکلات مذکور مواجه است. بنابراین به‌کارگیری کارشناسان خبره و حرفه‌ای در سطوح تصمیم‌گیری کلان و همچنین به‌کارگیری دانش فنی در کنار دانش ستادی کارشناسان و بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی و دعوت از شرکت‌های بزرگ بین‌المللی به منظور فعالیت‌های معدنی و سرمایه‌گذاری می‌تواند در ارتقای وضعیت فعلی معدنکاری نقش بسزایی ایفا کند.

◀ وظیفه‌ی بسیار مهم دولت آینده، ایجاد یک وزارتخانه‌ی مستقل برای بخش معدن است

دکتر پیمان افضل که ۵ سال سابقه‌ی تدریس و فعالیت در دانشگاه‌های آزاد و دولتی، دانشگاه‌های خارج از کشور و نیز همکاری ده ساله با شرکت‌های معدنی دارد، مطالبات خود را از دولت جدید در مورد بخش اکتشافات معدنی به شرح زیر در عنوان کرد:

به طور کلی مطالبات انباشته‌شده‌ی متخصصان و فعالان بخش مهندسی اکتشاف معدن و زمین‌شناسی را از چند دیدگاه می‌توان مورد بررسی قرار داد. باید گفت متأسفانه در هشت سال گذشته و دوران دولت‌های نهم و دهم به دلایلی چون عدم مدیریت مناسب، نبود شایسته‌سالاری، سیاست‌های پوپولیستی و عدم اعتقاد به تولید و برنامه‌ریزی طولانی‌مدت فرصت‌های بسیار ارزشمندی در زمینه‌ی توسعه‌ی صنعت و معدن از کشور عزیز ما گرفته شد در حالی که درآمدهای ارزی ایران در این سال‌ها بی‌سابقه بود. بر این اساس و برای جبران این فجایع باید از دو دیدگاه اصلی آموزش - پژوهش و نیز اجرا به این مطالبات نگاه کرد.

از دیدگاه آموزش - پژوهش یک مشکل ساختاری همیشه در کشور ما وجود داشته است: عدم ارتباط دانشگاه با صنعت. مدیران محافظه‌کار بخش صنعت همواره به روش‌های سنتی خود اعتقاد دارند و حاضر به نوآوری و نواندیشی که مقداری هزینه‌ی آن‌ها را بالا می‌برد، نیستند. این باعث می‌شود

- ۳- تخصیص و تامین اعتبار مناسب در حوزه‌ی زمین‌شناسی و تهیه‌ی اطلاعات پایه.
- ۴- تخصیص یارانه‌های نقدی و غیرنقدی به بخش معدن، خصوصاً در زمان اکتشاف.
- ۵- شفاف‌سازی سهم معادن در اقتصاد غیرنفتی کشور برای عموم مردم.
- ۶- آغاز فرهنگ‌سازی در زمینه‌ی معدن و زمین‌شناسی از طریق رسانه‌های عمومی برای مردم و پیوند مباحث گردشگری با حوزه‌ی زمین‌شناسی و معدن.
- ۷- تقویت کیفی آموزش آکادمیک و ایجاد امکان ارتباط دانشگاه‌های تربیت‌کننده‌ی زمین‌شناس و مهندس معدن با بخش معدن (ارتباط با معدن).

◀ برخی برنامه‌ها در اجرا مشکل دارند

مهندس رضا زرین‌فر؛ مدیرعامل شرکت پارسی کان کاو می‌گوید: مهم‌ترین موضوع فراموش شده در حوزه‌ی فعالیت‌های اکتشافی و معدنی در سال‌های اخیر، فاصله گرفتن از فضای حرفه‌ای بین‌المللی معدنکاری و تأکید بیش از حد به بومی‌سازی قوانین و همچنین تجارب و عملیات معدنکاری داخل است. اختلافات زیادی در قوانین معدنکاری دنیا با قانون معدن ما وجود دارد و علاوه بر این از آنجایی که کارشناسان و ناظرین دولتی آن، در یک فضای حرفه‌ای رشد نکرده‌اند لذا صرفاً تعابیر و تفاسیر یک کارشناس ستادی را از انجام یک فعالیت معدنی داشته که با واقعیت‌های کار حرفه‌ای فاصله‌ی بسیاری دارد. این در حالی است که بخش خصوصی خوشبختانه از رشد علمی و تجربه‌ی حرفه‌ای بسیار خوبی در سال‌های اخیر برخوردار شده؛ این رشد به واسطه‌ی افزایش قیمت صادرات مواد معدنی و در ادامه‌ی آن، افزایش تقاضا و تولید حاصل شده است. بنابراین در دو کفه‌ی ترازو شرایط خاصی اتفاق افتاده است؛ در یک کفه، بخش دولتی با قوانین صرفاً بومی و تجربه‌نشده و ناظرین صرفاً ستادی نه حرفه‌ای، و در کفه‌ی دیگر کارشناسان و مدیران بخش خصوصی



نمی‌دهد. هنوز بسیاری از مردم نمی‌دانند که برای معدنکاری و استحصال یک ماده‌ی معدنی چقدر باید خون جگر خورد و هزینه کرد. یورش‌های متعدد در مناطق کمتر توسعه‌یافته به معادن و آتش‌زدن ماشین‌آلات معدنی، یک نشانه از این امر است. باید دولت در کتاب‌های درسی در مورد سابقه‌ی تاریخی معدنکاری در ایران و نیز سهم بالای معدن در اقتصاد جهانی به نحو ملموسی مطالب مناسبی را بگنجانند. همچنین در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی بخشی به معدن اختصاص داده شود.

با وجود اصلاح برنامه‌ی درسی رشته‌ی مهندسی معدن توسط وزارت علوم هنوز این برنامه اشکال‌های اساسی دارد. دروس عملی مانند بازدید و برداشت باید در تابستان و زمان‌های تعطیلی بین دو ترم انجام شوند تا دانشجویان بتوانند از این دروس استفاده‌ی لازم را داشته باشند. این که تنها چند روز جمعه استاد و دانشجویی خسته از یک هفته‌ی پرکار را به دانشگاه کشانده و چند بازدید نصفه و نیمه برگزار کنند، سبب می‌شود دانشجوی چیزی به عنوان تهیه‌ی نقشه‌های توپوگرافی، زمین‌شناسی، نمونه‌برداری و دیگر کارهای اجرایی لازم که پایه‌ی عملیات معدنی و اکتشافی هستند، یاد نگیرد. بسیاری از دانشگاه‌ها بازدید معدن را منحصر به استان خود نموده و این یک ستم بزرگ به دانشجویان معدن و زمین‌شناسی است. باید در هر تابستان برای بازدید و برداشت‌های زمین‌شناسی و معدنی دانشجویان برنامه‌ریزی به عمل آید.

رشته‌های معدن و زمین‌شناسی، رشته‌هایی عملی هستند که باید در آن‌ها مهارت‌های گوناگونی را فرا گرفت. این مهارت‌ها نیاز به کار عملی و بازدیدهای هفتگی از معادن دارند. همچنین باید در معادن متروکه، بخشی از کارها چون نقشه‌برداری معدنی را به صورت عملی به دانشجویان آموزش داد. وزارت علوم و وزارت معادن باید در این زمینه تمهیدی بیندیشند تا دانشجو بعد

در فرصت‌های ارزشمند موجود در درازمدت عقب بمانیم و کشورهای دیگری چون افغانستان و مغولستان و سرزمین‌های آسیای میانه در عرصه‌ی جهانی از ما پیشی بگیرند.

وظیفه‌ی بسیار مهم دولت آینده، ایجاد یک وزارتخانه‌ی مستقل برای بخش معدن است. در حالی که نهادهای متعددی برای امور کم‌اهمیت‌تر در کشور ما وجود دارند، بخش معدن در سیطره‌ی دو نهاد بازرگانی و صنعت قرار گرفته است. بخش بازرگانی به سود آنی و لحظه‌ای می‌اندیشد و نگاهی به تولید و برنامه‌ریزی درازمدت در قالب پروژه‌های بزرگ ندارد. پس ایجاد وزارتخانه‌ی «معادن، زمین‌شناسی و صنایع معدنی» یک امر بسیار ضروری است. این وزارتخانه می‌تواند بخش بزرگ معدن و مطالبات مغفول آن را احیا کند نه اینکه بودجه‌ای را که برای افزایش اکتشافات سازمان زمین‌شناسی در مجلس تصویب می‌کنند، خرج یارانه یا وام‌های زودبازده شود! این وزارتخانه باید تاسیس شود تا بتوان مطالبات معوقه‌ی سازمان نظام مهندسی معدن را از دولت پیگیری نمود. هم‌اکنون وزارت معادن افغانستان برنامه‌ریزی بزرگی برای سال ۲۰۲۴ نموده و با ارتباط خوبی که با تمام دنیا به خصوص شرکت‌های بزرگی چون BHP، ریوتینتو و همچنین سازمان زمین‌شناسی آمریکا دارد، پتانسیل‌های معدنی افغانستان را عملیاتی می‌نماید. به واقع می‌توان گفت ادغام بخش معدن در بازرگانی و صنایع اقدام نابخشودنی دولت دهم در بخش معدن ایران بود زیرا بودجه و ارزش معدن کشور را به شدت کاهش داد. یک امتیاز مهم ایجاد این وزارتخانه، تعامل مستقیم با دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی برای استفاده‌ی بهتر از این ظرفیت بزرگ علمی کشور است. اگر به ژورنال‌های معتبر دنیا در رشته‌های معدن و زمین‌شناسی نگاه شود، مقالات جالب و کاربردی زیادی از ایران در آن‌ها دیده می‌شود. این ایده‌ها در ایران به دلیل مدیریت محافظه‌کار مورد توجه قرار نمی‌گیرد ولی در خارج به شدت مورد توجه است. در استان‌ها به طور معمول ریاست سازمان صنعت، معدن و تجارت با مدیران بازرگانی است و این برای بخش معدن مناسب نیست.

تقویت سازمان زمین‌شناسی در همه‌جای دنیا با دولت است زیرا اطلاعات پایه تولید می‌کند. در دوران اوج درآمد‌های نفتی چندین بار بودجه‌هایی در حد ۱۰۰ میلیون دلار برای این سازمان تصویب شد که متأسفانه بخش عمده‌ی آن‌ها اجرایی نشدند. حتی همین بودجه‌ی افزایش یافته در برابر بودجه‌های کشورهای همسایه‌ی ایران برای اکتشاف منابع معدنی، رقمی پایین است. دولت باید در بودجه رقم مناسبی به این امر اختصاص دهد.

یک وظیفه‌ی دیگر دولت فرهنگ‌سازی مردمی در بخش معدن است. هنوز مردم ایران به خصوص روستائینان به معدن دیدی در حد فیلم‌های وسترن دارند؛ هنوز تصور می‌شود معدنکار غارتگری است که یک گنج حاضر و آماده را می‌خورد و به کسی هم جواب

دکتر افضل: باوجود اصلاح برنامه‌ی درسی رشته‌ی مهندسی معدن توسط وزارت علوم هنوز این برنامه اشکال‌های اساسی دارد. دروس عملی مانند بازدید و برداشت باید در تابستان و زمان‌های تعطیلی بین دو ترم انجام شوند تا دانشجویان بتوانند از این دروس استفاده‌ی لازم را داشته باشند



از فارغ‌التحصیلی، تازه دنبال یادگیری کار نباشد!

سیال بودن برنامه‌ی آموزشی به خصوص در امر آموزش نرم‌افزارهای معدنی و نیز تغییر برنامه‌های آموزشی در هر چهار سال الزامی است. اینکه بدون توجه به نیازهای روز بر روی یک برنامه‌ی اشتباه، تاکید شود یکی از مهم‌ترین معضلات وزارت علوم است.

حمایت از ژورنال‌های معتبر به زبان انگلیسی در این بخش جهت ورود به نمایه‌ی ISI نه تنها از خروج دانش از ایران جلوگیری می‌کند بلکه می‌تواند دانش و ایده‌های پژوهشگران کشورهای دیگر را به خود جلب کند. در این راستا می‌توان از ژورنال‌های دانشگاه تهران، صنعتی شاهرود و آزاد مشهد نام برد. بخش صنایع معدنی و معادن بزرگ در این امر وظیفه‌ای مهم دارند زیرا این کار سبب بلندتر شدن نام کشور عزیزمان در این عرصه خواهد شد. کشور عربستان با چاپ یک ژورنال قدرتمند در علوم زمین و اکتشاف معدن به نام Arabian Journal of Geosciences تحت امتیاز انتشارات معتبر Springer گام بلندی در این راستا و پیشرفت دانش معدنی خود برداشته است.

و در نهایت این که تعداد زیادی از دانشوران و افراد شایسته هستند که هیچ‌گاه در سیستم مدیریتی ایران از آن‌ها استفاده نشده است و باید به جای مدیریت بانندی و گروهی از این افراد نیز استفاده شود.

◀ فعالیت نیروهای غیرمتخصص راندمان کار را پایین می‌آورد

مهندس رضا فخریان؛ مدیر گروه رشته‌ی فرآوری سنگ‌های ساختمانی مرکز آموزش علمی - کاربردی تیران و کرون در مورد چالش‌های موجود در بخش آموزش فرآوری سنگ‌های ساختمانی و تزئینی می‌گوید: متأسفانه با وجود پتانسیل‌های عظیم سنگ‌های ساختمانی متنوع با حجم بالا و در محدوده‌ی وسیع همچنین شرایط ایده‌آل زمین‌شناسی و پراکندگی مناسب در ایران، آمار نیروی‌های شاغل تحصیل کرده در بخش صنعت سنگ همچنین نیروی متخصص و کارآمد در این صنعت بسیار اندک است و بیشتر افراد به صورت سنتی در این حوزه فعالیت می‌کنند در حالی که آموزش‌های

آکادمیک ندیده و از طریق تجربه، کسب مهارت کرده‌اند. این مهم خود موجب افزایش ضایعات، کاهش راندمان، کیفیت نامناسب، افزایش مواد مصرفی، هدر رفت انرژی، افزایش قیمت تمام‌شده، عدم دسترسی به بازار مناسب و ... شده است.

او درخواست خود را از مدیران و مسئولین صنعتی و معدنی کشور این‌گونه عنوان کرد:

همکاری و مساعدت مدیران و مسئولین صنعتی و معدنی کشور در راستای شناساندن مراکز علمی به شرکت‌ها و کارخانه‌ها و حمایت از مراکز دانشگاهی می‌تواند نقش بسزایی در این راستا داشته باشد، همچنین کمک به اعزام افراد متخصص جهت شرکت در کارگاه‌های آموزشی مراکز علمی دنیا و نیز اهتمام در چاپ و نشر کتب و مجلات تخصصی علمی در زمینه‌ی فرآوری سنگ بسیار کارساز خواهد بود. از طرفی باتوجه به این که بازار کالای سنگ بسیار متنوع بوده و به همین لحاظ نیاز به روش‌های جدید فرآوری سنگ همراه با کاهش هزینه، کاهش ضایعات سنگ، مدیریت پسماند و افزایش بهره‌وری بسیار احساس می‌شود، این مهم نیاز به توجه خاص و بیش از پیش مسئولین امر دارد.

◀ زمانی که ماده‌ی اولیه کم و محدود باشد، مسلماً دستاورد آن هم اندک خواهد بود

مهندس بهنام صادقی؛ از فارغ‌التحصیلان جدید کارشناسی ارشد مهندسی اکتشاف معدن می‌گوید: پیرو درخواست دوستان مبنی بر ارایه‌ی نکات و درخواست‌هایی از دولت جدید در عرصه‌ی معدن از دیدگاه یک دانشجوی فارغ‌التحصیل، نکاتی را به صورت خلاصه عرض می‌کنم. هر چند که مشکلات جامعه‌ی معدنی بیش از آنچه که تصور می‌شود، بوده و متأسفانه هر ساله با چندین جلسه و پل و ... که صرفاً زینت‌بخش سایت‌های خبری این عرصه است، چیزی را خصوصاً عاید بخش تحصیل کرده، شامل مدرس، محقق و دانشجو نمی‌کند. روند کنونی نشأت گرفته از بسیاری عوامل کوچک و بزرگ بوده و هست که به رغم تذکر دلسوزانه‌ی پیشکسوتان و علمای این عرصه، همچنان دچار سیر تسلسل بوده و پیشرفت خاصی در آن حاصل نشده است.

یکی از مسائل ابتدایی این عرصه انتقال دانش در دانشگاه‌هاست. اساتید بسیار بزرگی در کلیه‌ی گرایش‌های مهندسی معدن و زمین‌شناسی در کشور ما حضور دارند، به جز این عزیزان، پیشکسوتان باتجربه و دانشجویان به‌روز و با انگیزه هم، سرمایه‌های این عرصه محسوب می‌شوند. حال سوال اینجاست که چرا وضعیت معدنی کشور با این همه پتانسیل انسانی و معدنی تا بدین حد رو به افول بوده است؟ چرا با وجود این همه فارغ‌التحصیل و استاد، همچنان پروژه‌های معدنی یا رها شده و یا به دست افراد غیر متخصص سپرده می‌شوند؟! یا اگر هم متخصصی بر آن‌ها نظارت می‌کند از سایر کشورهاست که سطح علمی او تفاوت چندانی با سطح علمی نیروهای داخلی ندارد. این به چند نکته باز می‌گردد؛ یکی از آن‌ها عدم اعتماد به نیروهای داخلی است؛ به



راستی کدامیک بهتر می تواند پاسخگو باشد: نیروی داخلی که سالها در این خاک زیسته و زیر و بم آن را می داند یا نیروی خارجی که به بهانه‌ی تحریم‌ها و شرایط سخت و ... با دریافت مبالغ هنگفتی، منطقه‌ای را برای اولین بار دیده و روی آن نظر می‌دهد و حتی نظر نیروهای خودی را به زیر سایه‌ی نظرات خود می‌کشد؟

استفاده‌ی نادرست از نیروهای خودی هم گوشه‌ای دیگر از این مشکلات است؛ زمانی که دانشجویی عزم خود را بر روی پایان‌نامه‌اش می‌گذارد، انگیزه و علاقه‌ی او بهترین سرمایه‌ی مملکت است. چرا در همان زمان که شاید نقطه‌ی طلایی زندگی‌اش باشد، برای دریافت داده‌ها باید هرگونه رفتار ناخوشایندی را تحمل کند که شاید بالاخره داده‌ای به او تعلق گیرد؟! خواه داده‌هایی صحیح و خواه پر از ایراد. همین مسائل انگیزه‌ها را می‌کاهد. به راستی همه‌ی ارگان‌های ذیربط، منبع بزرگی از داده را در دست دارند، پس چرا آن‌ها را در اختیار دانشجویان قرار نمی‌دهند؟ مگر نه این است که در نهایت با کم‌ترین هزینه می‌توانند به کمک تلاش دانشجویان و اساتیدشان نتایج گرانقدری دریافت کنند که توشه‌ی راه متخصصان خودشان باشد؟ مگر نه این است که با سنجش کیفیت همین تلاش‌ها می‌توانند نیروهای با سواد و با انگیزه را پیدا کرده و در آینده از آن‌ها به جای نیروهای ناکارآمد استفاده کنند؟ مگر نه این است که با هزینه‌ای اندک می‌توانند بانک جامعی را از پایان‌نامه‌های دانشجویان تهیه کرده تا به جای دوباره‌کاری، با جستجو و مروری کوتاه به نتایجی درخشان در کوتاه‌ترین زمان برسند؟ در بسیاری نقاط ایران کارهای خوبی انجام

شده است، ولی بسیاری از دانشجویان زمانی که به دنبال حداقل داده‌های آن مناطق می‌گردند، به در بسته می‌خورند. معادنی مثل مس سرچشمه و ... با آن اشل جهانی، برای دانشجویان هیچ جذابیتی ندارد، چرا که برای یافتن داده‌های حداقلی باید تلاش حداکثری را تحمل کنند. حال آن که این داده‌ها می‌تواند حتی به صورت رایگان همچون بسیاری از کشورها در اختیار دانشجویان قرار گیرد. زمانی که ماده‌ی اولیه کم و محدود باشد، مسلماً دستاورد آن هم اندک خواهد بود. دانشجویانی داریم که از حداقل امکانات، نتایجی گرفته‌اند و دست‌کم اساتیدشان را به صرافت می‌اندازند که اگر این دانشجویان داده‌ی بهتری داشتند، مسلماً کار بیشتر و درخشان‌تری هم انجام می‌داد، ولی افسوس. به هر حال، هیچکس به اندازه‌ی خود دانشجویان برای پروژه‌اش دلسوز نیست و این یعنی یک سرمایه. البته در این راستا ایرادهایی به دانشگاه‌ها نیز وارد است؛ زمانی که توجه و تمرکز دانشگاه صرفاً متوجه اجبار دانشجویان به ارائه‌ی مقالات با این سطح

کیفیت از امکانات و داده‌ها می‌شود، نمی‌توان منتظر پیشرفت بود. سیاست‌های نادرست دانشگاه‌ها باعث می‌شود دانشجویان عملاً تبدیل به نماد چند برگ مقاله شوند. در نهایت سخن از رشد علمی و رتبه‌ی دانشگاه به میان می‌آید، ولی کسی نیست که بررسی کند این دانشجویان با چه مشقت و زحری به آن نتایج رسیده است. امیدوارم کمی در این روند اصلاحاتی صورت پذیرد تا بازخورد منفی آن را در پوسترها و فریادهای رایج در میدان انقلاب ببینیم که همگی ادعا می‌کنند برای دانشجویان، سه‌روزه پایان‌نامه و مقاله تهیه می‌کنند. این روند باعث شده که حتی به مقالات و پایان‌نامه‌های مستقل و ارزشمند هم در دیدگاه عموم برچسب فاقد ارزش، زده شود.

اما در مورد بازار کار؛ ایران بزرگ ما جای‌جای خاکش غنیمت است، پر از پتانسیل‌های ارزشمند و آینده‌دار. این سرمایه‌ی بزرگ همواره در سایه‌ی صنایع نفتی واقع شده و هر چقدر که آن صنایع پیشرفت نمودند، در عرصه‌ی معدن پسرفت حاصل شد. آفات بسیاری دامن این عرصه را گرفت؛ رابطه‌ی صنعت و دانشگاه در شعار عملی شد اما در عمل به جایی نرسید. خام‌فروشی هم آفت دیگری است که شاید در لحظه‌ی کنونی پاسخگوی نیازهای مالی باشد، ولی در طولانی مدت هیچ صرفه‌ای نخواهد داشت و صرفاً سرمایه‌های زمینی ما را به باد خواهد داد. همان مواد خام را کشورهای دیگر فرآوری کرده و به قیمت گزافی صادر می‌کنند، حتی به خود ما. چرا این کار را خودمان نکنیم؟ صنایعی مثل آلومینیم دچار رکود شده‌اند، صرفاً به خاطر این که با هزینه‌های کنونی واردات آن‌ها به صرفه‌تر است

تا تولیدشان. چرا این گونه صنایع حمایت نمی‌شوند؟ بخش خصوصی فشار کمرشکنی را تحمل می‌کند، چرا از حمایت و خصوصی‌سازی آن‌ها سخن می‌گویند، ولی در عمل چیزی مشاهده نمی‌شود؟ و بسیاری مشکلات دیگر که اگر به درستی ریشه‌یابی شوند، به چند دلیل بارز خواهند رسید که یکی از آن‌ها بحث وزارتخانه و مدیریت‌هاست. مسلماً تا زمانی که معدن دارای حقوق مستقلی نباشد، مورد بی‌توجهی و اعمال نظرات غیرمعقول قرار خواهد گرفت. بد نیست به گذشته‌ی این عرصه بنگریم و با بررسی آمار و مقایسه‌ی شدت و ضعف‌ها با سایر کشورهای موفق در این عرصه، ببینیم که ایرادهایی وجود دارد و باید رفع شوند. در انتها آرزو دارم روزی برسد که عرصه‌ی معدن، به عرصه‌ی تعامل صحیح صنعت، دانشگاه و سرمایه‌گذار تبدیل شود، که به راستی این عاملی برای انگیزش دانشجویان، کارشناسان، اساتید و شرکت‌های بخش خصوصی خواهد شد.

مهندس صادقی؛ سیاست‌های نادرست دانشگاه‌ها باعث می‌شود دانشجویان عملاً تبدیل به نماد چند برگ مقاله شوند. در نهایت سخن از رشد علمی و رتبه‌ی دانشگاه به میان می‌آید، ولی کسی نیست که بررسی کند این دانشجویان با چه مشقت و زحری به آن نتایج رسیده است. امیدوارم در این روند اصلاحاتی صورت پذیرد تا بازخورد منفی آن را در پوسترها و فریادهای رایج در میدان انقلاب ببینیم که همگی ادعا می‌کنند برای دانشجویان، سه‌روزه پایان‌نامه و مقاله تهیه می‌کنند